

برگزاری پکنوم و دستاوردهای آن

پس از گذشت یکسال از اولین کنفرانس سازمان، پکنوم وسیع مرکزیت، مرکب از اعضا، مرکزیت، مشاورین و مسئولین بخشهای مختلف، تشکیلات برگزار شد. دستور کار پکنوم ارزیابی عملکرد سازمان، برخورد با نارساییها و مشکلات گذشته و همچنین برای آینده بود. در گزارش سیاسی کمیته مرکزی سازمان، اوضاع سیاسی جامعه مورد ارزیابی قرار گرفته و گفته شده است:

طی یکسال پسر از نخستین کنفرانس سازمان در وضعیت سیاسی جامعه و چشم انداز تحول اوضاع سیاسی تغییر بی اساسی صورت نگرفته است بحران اقتصادی بقیه در صفحه ۲



در تدارک قیام

را در توطئه‌های پراز خون و آهن، هر قساخته است. بقول مارکس: تمدن و عدالت بورژوازی، هر بار که بندگان و زجر کشان این نظام علیه اربابان نشان قیام میکنند، در نوسوم خود ظاهر میشود. در آن وقت این تمدن و این عدالت، صورت توحشی بی نقاب، و انتقامی بی قانون دارند. . . . بی شک تمدن عظیمی است، تمدنی که سالها بزرگش عبارت از این است که چطور باید بقیه در صفحه ۲

چهارمین سالروز قیام ۲۲ بهمن، قیام غرور آفرین خلق، را در حالسی پشت سر میگذاریم که خلق در تدارک قیامی دیگر است. رژیم جمهوری اسلامی، این حکومت جلادان، که سازش با ارتش و امپریالیسم و تکلیف عوام فریبانه مبارزات افتخار آفرین خلق سند تولیدش بود، آرا...
رفراندوم ۱۲ فروردین بر زمینه جهل و فریب مدارک قانونی اثر و شمشیر عصای فرماندهی اش، اکنون، جامعه

پروسی اشکال مبارزات

مهرماه ۶۰ الی مهرماه ۶۱ - ۳

اشکال

مبارزات

ارامه قسمت دوم:

شبهه‌ها و اشکال مبارزه در یکسال گذشته رامیتان در موارد مختلف، تحریم، کم کاری، مراجع مسئولین و تهیه طومار، اعتصاب و مجازات مزدوران رژیم، جمع بندی نمود و مورد بررسی قرار داد.

۱ - تحریم:

تحریم به شبهه‌ها و صور مختلف همچنان گسترده ترین روش مبارزاتی است که اقشار و طبقات خلق آنرا بکار میگیرند. تحریم متینگ ها و راهپیمایی ها، تحریم سخنرانیها و مراسم نماز، تحریم کمک مالی به حسابهای متعدد رژیم، تحریم بخشنامه های رژیم (بالاخر در کارخانجات) تحریم ورزش و سرود صبحگاهی، تحریم و طرد جاسوسان انجمن اسلامی و بخصوص تحریم انتخابات فرمایشی کارخانه ها و در مقطع اخیر رفتن به جبهه جنگ نیز تدریجاً مورد تحریم (غالباً در شهرها) قرار میگردد. در کارخانه های مختلف بی دربی از کارگران برای ثبت نام در بسیج تقاضا میشود بقیه در صفحه ۹

دو این شماره

● جنبش کارگری

در صفحه ۳

● کرامی یاد خاطره شهدای به خون

خفته خلق در صفحه ۲۲

● جنبش انقلابی خلق کرد

در صفحه ۲۲

● خطاب به مبلغین

در صفحه ۱۱

یادداشت‌های سیاسی

I بورژوازی به نوکران خود هم رحم نمیکنند

II عفو شاهانه امام

III اشکست مفتضاحه عملیات والفجر و تبلیغات دروغین رژیم

در صفحه ۵

کمیته‌های مخفی اعتصاب را برای برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی ایجاد کنیم

پلنوم ...

بقیه از صفحه ۱

پیش جامعه با آن روبرو بوده است و همچنان پابر جاست در زمین اقتصاد و رژیم با وضعیت بسیار دشواری روبروست. پابرجایی رکود در صنایع، بحران مالی، کمبودهای ارزی، آفلاس و ورشکستگی رژیم، کمبود مایحتاج اولیه و روزمره و ههای مردم تورم افشا رگسیخته، ارتش عظیم بیگاران که همگی بیانگرمق و وسعت بحران اقتصاد وجود است، عدم شرایط زندگی توده های مردم را - در شولتر ساختن و دخامت مطلق ونسبی شرایط زندگی آنها بر حدت تضادها و میزان ناراضی آنها افزود است. ابعاد اثرات این بحران بر زندگی مردم محدود نیست که بحرات میتوان گفت طی دهه های اخیر شرایط زندگی مردم تا بدین حد و دخامت نمانده است. رژیم جمهوری اسلامی که شاهد رشد روزافزون ناراضی و اعتراض در میان توده های مردم بود است برای مقابله با انفجار خشم انقلابی خلق از مدتها پیش کوشید است تا با اوم جنبش پشایع ملی و رجعت انحراف توجه توده ها و انتقال بحران بخارج از مرزها و ازسوی دیگر تروریسم عربیان بر این بحران فاتح آید. سر نیزه اشکارا در دستور قرار گرفته است و حکومت نظامی اعلام نشده ای بر مردم تحمیل شده است. طی این مدت هزاران تن از بهر شورتین و آگاهترین بخش توده های مردم اعدام شده یا زندان افتادند ابتدائی ترین حقوق انسانی از مردم سلب شده و رژیم ترورو خفقان حاکم شده است.

روشن است که سیاست سرکوب و اختناق در شرایطی که فقر و فلاکت بر زندگی توده های مردم سایه افکنده است نمیتواند راه حل بحران باشد. از همین روست که در منشی های قرون وسطائی رژیم قادر نبود است مردم را بطور کلی از زندگی سیاسی کنار زند بلکه بالعکس تضاد های اجتماعی را تشدید کرد و تا حد انفجار فشرده کرده است. تردید نیست که شدت سرکوب و جو رعب و خفقان نمیتوانست بر اشکال مبارزات توده های و وضعیت سازمانهای سیاسی تاثیر نکند آرد. طی دوران پس از ۳۰ خرداد تحت تاثیر یک سلسله عوامل هیبتی و ذهنی تناسب قوا موقتا بنفع هیبت جاکمه بر هم خورد، با

دستگیری تعداد زیاد یازمان صر پشرو و از هم پاشیدگی تشکلهای توده های سیاسی سازمانی در میان توده ها و وسیع گسترش یافت. از حدت تضاد های درونی هیبت جاکمه گاست شد، طبعی است که این مجموعه شرایط نمیتوانست توام با سرکوبهای دیوانه وار رژیم بر شکل جنبش اعتراضی توده ها تاثیر نامطلوب نگذارد. از همین روست که علیرغم اعتراضات و مبارزات آشکارائی که طی این مدت به ویژه در میان طبقه کارگران و پرود بود ما هم در مجموع شکل آشکار مبارزه از ابعاد وسیعی برخوردار نبود است اما بعلمت اینکه زمینه های هیبتی بحران پابرجا مانده است، ناراضی مدام گسترش یافته، تضاد های درونی هیبت جاکمه که مدتی تخفیف یافته بود و باره تشدید شده است و بر این پایه بحران سیاسی بسوی یک بحران پر دانه پیش میرود. از این سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و تدارک برای یک قیام مجدد همچنان در دستور کار قرار آرد. بر اساس این ارزیابی بر ضرورت مداخله هر چه فعالتر سازمان در مبارزه طبقاتی، اجرای مصوبه کنسره در جهت تبلیغ وسیع برنامه عمل و مقابله جدی با هرگونه روجیه فعالیت تاکید شده است. مباحث و جمع بندی پلنوم حاکی از اینست که در رژیمه انجام وظایف فوری سازمان در برخی بخشهای تشکیلات، کم کاری های محسوسی وجود داشته که ضمن برخورد قاطع با مسئولین و تمام رفقای که در انجام وظایف خود قصور ورزید هاند، بر پایان بخشیدن فوری به این نواقص و کمبود ها تصریح شده است. بخش تشکیلاتی گزارش کسبه مرکزی سازمان ارزیابی وضعیت تشکیلاتی سازمان پس از کنسره اختصاص یافته است. این دوران یکی از بحرانتجربین و دشوارترین دورانهای حیات سازمان بوده است. بر اساس گزارش کمیته مرکزی سازمان، نخستین کنسره سازمان با تعیین خط و مشی تاکتیکی و استراتژیکی سازمان و کشیدن خط و مرزهای مشخص نخستین گام عملی وجد بود و در جهت تعیین هیبت آید تولوژیک سیاسی سازمان برداشت روشن است که همین نخستین گام نیز نمیتوانست واکنش عناصر اپورتونیست و حامیین آید تولوژ - بیهای خرد و بهر زوایائی را که مدتها در دوران سازمان جا خوش کرده بودند بر نیاندکزد. کما نیکه تا کنون بر اساس یک نقطه مشترک ضد انقلابی دانستن حاکمیت در دوران ویران سازمان جمع شده بودند حالا که های مسائل اساسی تر آید تولوژیک - سیاسی به میان آمد هود، دیگر جایگاه خود را

در دوران سازمان نمی دیدند. واکنش گروه مستعفی ها در برابر مصوبات کنسره نخستین تجلی یک جنبش عناصر و گرایشهای بود. سپس ما شاهد ابراز عینی دیدگاههای تروتسکستی در کنسره بودیم. آیا یک جنبش در دیدگاههای انحرافی یک لحظه از آسمان نزول کرد؟ پاسخ منفی است، واقعیت اینست که این انحرافات آید تولوژیک از مدت ها قبل در دوران سازمان پشکل پوشیده موجود داشت، اما ما دام که سازمان خط و مرزهای صریحا مشخصی نداشت نمیتوانستند خود نمائی کنند. اما بعضی اینکه اولین گام در جهت صراحت بخشیدن به این خط و مرزها و هویت آید تولوژی - سیاسی در آن به سازمان برداشته شد، الزامات اجبار این دیدگاهها می بایستی به مخالفت برخیزند. از این رو نخستین کنسره سازمان نمیتوانست ضربه تشدید اختلافات آید تولوژیک سیاسی نکرد. زمان و وضعیت جامعه نخستین کنسره سازمان و وضعیت جامعه و تحولات خود ویژه ای که در آن مقطع در حال وقوع بود، بناگیز بهر روز این اختلافات را من میرد. این یک واقعیت مسلم و لا تردید تاریخ است که هر تحول خود ویژه ای که موجب تزلزلات خرد و بهر زوایائی میگرد در سیلاب این تزلزلات بشکل رفرمیسم و انقلابیگری خرد و بهر زوایائی بروز می نماید تحول خود ویژه ای که با ۳۰ خرداد و در ایران پیش آمد، موجب ایمنی و سیلاب تزلزلات گردید از این رو پس از کنسره، سازمان دوران حاد ترین اختلافات و از نظر سیاسی و تشکیلاتی بار دشوارترین ایام حیات خود رو بر و بود است. از اواسط بهمن ماه گرایش تروتسکستی بنا به منست و شیوه کار همیشگی این طرز تفکر بنیاد خلاقری در مناسبات تشکیلاتی را گذاشت. همانطو که فقار رجریان هستند و ۳۰ اطلایه آنها این مسئله را روشن کرد این افراد از طریق برقراری مناسبات فراتشکیلاتی، یک فراکسیون ضد تشکیلاتی ایجاد کرده و در تدارک انشعاب بودند. نخستین تجلی این انحراف لگری، خود داری حامیین این گرایش از توزیع نشریه وید نیال آن استعفای مسئول چاپ بود. چند تن دیگر از افراد این گرایش از اواسط اسفند ماه از بد پرش مسئولیت و با انجام وظایف محوله سازمانی سر باز زدند. ک. م. سازمان طی جلسه ای که در اواسط اسفند ماه تشکیل داد ضرورت فوری برگزاری یک پلنوم وسیع مرکزیت را بمنظور برخورد جدی با مسائل پیش آمد فراتشخیص در دوران برگزاری این پلنوم در صفحه ۱۷

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



۱ کارکنان مبارز هواپیمائی ملی ایران: پیروزی در مبارزه ای یکپارچه و متحدانه

جنبش گارگری



۱۱ تولید دارو

در روز دوشنبه ۱۱/۱/۶۱ در رابطه با یادداشت اضافه تولید اعتراض از طرف کارگران شکل میگردد و رفتار آنها بعد گسترده تری بخود میگردد. یادداشت اضافه تولید مبلغی است که هر شش ماه یکبار بکارگران واحد های تولیدی پرداخت میشود و میزان آن بستگی به میزان تولید بخشهای مختلف واحد تولیدی دارد. در تولید ارواکتر قسمتها هنوز حق اضافه تولید را دریافت نکرده بودند. تا اینکه روز ۱۱/۱/۶۱ اعلام میکنند که حق اضافه تولید ۹ ماه اول سال ۶۱ - پرداخت میگردد و قیش آنرا بکارگران میدهند اما مقدار ناچیز این مبلغ نسبت به سال گذشته نیز کمتر بود. کارگران اعتراضی کارگران را برمی انگیزد. کارگران قسمت ۲ بعنوان اعتراض همه فیشها را جمع کرده به مسئول بخش تحویل میدهند. حدود یکساعت بعد نمایندند و شورای اسلامی برای خاموش کردن اعتراضات و جوابگویی به این مسئله بقسمت ۲ می آید اما کارگران قانع نشده و اعتراضشان بالا میگردد. سپس کارگران از نمایندند و شورا میخواهند که مدد پرعامل را برای پاسخگویی بیاورد لیکن مدد پرعامل به بهانه نداشتن جلسه از رفتن به قسمت ظفره سرود اما بالاخره فشاری کارگران مدد پرعامل را مجبور میکند که به قسمت ۲ بیاید. در این هنگام کارگران قسمتهای مختلف از موضوع خیرد ارشده و مدد پرعامل را تعطیل میکنند و به قسمت ۲ می آیند. حدود ساعت کارگران خواسته ها و اعتراضات خود را مطرح میکنند. اعتراض به حق اضافه تولید، کم کم به اعتراض به چند بقیه در صفحه ۴

بر نمی آید و باید این حقوق پرداخت شود. پایه کارکنان هم یکی دیگر از مشکلات است که در آن ۲ پایه به کلیه کارکنان حق مسلم ما در این چند ساله میباشد. سپهری در پاسخ به مسائل مطرحه با این شرمی تمام اعلام کرد که: "سرپرستان هر طور بخواهند میتوانند رفتار کنند و شما حق ندارید در موردشان قضاوت کنید... و قرار بر این شد که کلیه کارکنان را به ۳ - دستکم به این صورت که عالی، خوب و بد، به عالی و بد پایه خوب یک پایه بد هیچگونه پایه ای تعلق نگیرد..."

در این هنگام یکی از نمایندگان کارکنان در حالی که بسیار خشمگین بنظر میرسید اعتراض کنان و بالحنی تندید آمیز خطاب به سپهری گفت "من شخصا به شما آقای مدد پرعامل میگویم که توسمی نکن ببخودی مشکلات ما را با انحراف بکشی. این باند بازی ها در بین خودتان بود و هست و بهتر است هر چه زود تر استعفا ای خودت را بدی و بروی والا گوشت را میگیریم و بیرون می اندازیم! زیرا تولیدات مدد پرعاملی را نداری برای اینکار درست نشدی! جمع کارکنان در حالیکه هیچان زد نشده و به شور و شوق آمد بودند حرفهای نمایندند را تأکید کردند و مدد پرعامل در حالیکه بشدت از صحبت های نمایندند متعجب گردید و گفت: "شما گستاخانه صحبت میکنید، این چه طرز صحبت کردن است". در همین حین کلیه کارکنان حاضر در سالن با هم کردن حرفهای سپهری را قطع کردند و حمایت خود را از نمایندند و خویشتن ابراز داشتند. یکی از حاضرین در سالن از جای خود بناگهان بلند شد و با صدای بلند خطاب به دیگر کارکنان فریاد زد: "اینها (نمایندگان) حرفهای دل ما را میزنند و باید از نمایندندگان خود حمایت کنیم. هر کس که پشت نمایندندگان را خالی کند شرف ندارد! موج صحیح است" در سالن پیچید و در سالن ولوله افتاد. مدد پر عامل هم که در وارا پس میدید از موضع تهاجمی اولیه به موضع دفاعی و سپس عقب نشینی کامل و فرار کشیده شد و سعی میکرد تا بقیه در صفحه ۴

مدت است که در هواپیمائی ملی ایران سهل انگاری، تاخیر در پروازها، خرابکاری در دستگا ههای پرواز و... چشم میخورد. از طرف مدد پرعامل هواپیمائی و دیگر مسئولین رژیم، مقصر اصلی کارکنان فنی شامل ۱۰۰ نفر، میباشد و سعی میکنند تا این امر را بصورت شایعه در هواپیمائی پخش کنند. از سوی دیگر، از قیام به این طرف کارکنان فنی بتدریج از حق مسکن، حق اولاد و خواربار و... محروم گشته اند و ترفیع درجه و پایه لازم را دریافت نکرده اند که خود باعث اعتراضات شدیدی در هواپیمائی شده است.

حالا خیره کارکنان فنی تصمیم میگرفتند تا با برگزاری جلسه مشترکی با مدد پر عامل جلوی شایعات فوق الذکر را بگیرند هم در مورد خواسته هایمان به تشجعی بر سندی به همین منظور اعلامیه ای از سوی آنها بر صفحه ۴ - ۵ اعلانات نصب میشود و کارکنان در این اعلامیه به جمع و برد همائی در روز دوشنبه ۱۱/۱/۶۱ دعوت میشوند. جلسه در ساعت ۱۰ صبح با حضور بیش از ۴۰ تن از کارگران و کارمندان بخش فنی در اطاق استراحت کارکنان فنی آشیانه شروع میشود. در ابتدا مدد پر عامل (سپهری) شروع به سخنرانی کرد که سعی داشت با پیش کشیدن جنگ توجیهی برای وضع موجود بید کند و در ادامه نیز کارکنان بخش فنی را از کم کاری و خرابکاری بزرگ در آشت و مخالفتش را در این زمینه اعلام کرد و گفت که دولت به ما اعتراض میکند چرا جلوی این سهل انگاریها را نمیگیرید... بعد از صحبت های سپهری، یکی از کارکنان شروع به صحبت کرد و اعتراض کارکنان فنی را چنین بیان داشت: "در هواپیمائی ملی نظم و انضباط و برنامه واقعی وجود ندارد، به این صورت که سرپرستان خود مختارند که هر کسی را که دلشان خواست تغییر مکان بدهند و با هر کس هر طور که دلشان بخواهد رفتار کنند. ضمناً ما را اینجا جمع شده ایم که به مشکلاتمان بپردازیم. انقلاب تا بحال پاسخ داده شده. مشکل عمده ما بی مسکنی است که همه از آن رنج میبریم. در کارکنان کمی حقوق و برائی ما محتاج که از عهد ما

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلفای ایران است

هواپیمائی . . . بقها از صفحه ۳

بهری بهانه‌ای (حتی طغن زدن) سالن بترک کند که همین کار را هم کرد. در ساعت ۲۰/۳۰ جلسه به همین صورت خاتمه یافت و کارکنان مبارز هواپیمائی که افشاء ماهیت کثیف بنی از عمل رژیم را طنادید و موجز و بزونی او را در مقابل نیروی متحد خویش نشان دادند کرد میروند در باره چگونگی حمایت از نمایندگان و برای اینکه از سوی رژیم بلائی به سرشان نیاید صحبت میگردند. بدنبال این حرکت اعتراضی و مبارزه و تحریریه مبارزه جوپانهای که کارکنان هر روز در میروند حرکت متوقف نشد چرا که آنان مصمم بودند تا حرکت به خاموشی نرسانند و تا حصول به نتیجه ادامه پیدا کنند. آنها پس از اتمام جلسه در تالار اعتراضات خود را از طریق بحث و فرستادن نمایندند. . . . آدامه

دادند تا اینکه چهار روز بعد، سپهری از سمت خود کناره‌گیری کرد و یگانه بنام حسن شفتی (که قبلاً سرپرست حرکت هواپیمائی بریتیش ایر ویز بوده) بجای او گمارده شد. بلافاصله پس از گماردن او در اختیار کارکنان گذاشته شد و از سوی دیگر قول ۲ ماه ترغیب به کلیه کارکنان داد و نام از طریق بودجه ۱۴۰۰ - میلیون تومانی اضافه حقوق در آمد شد و گذشته از این قرار شد تا به کلیه کارکنانی که منزلت نیم ساعت خستند تا ۳۰۰ هزار تومان وام بانکی داده شود.

به این ترتیب کارکنان مبارز هواپیمائی با مبارزه مبارزه خود، با حمایت کامل از نمایندگان خویش در این مرحله از مبارزه بخش عمده خواستهای مطروحه دست یافتند و موفقیت مهمی بدست آوردند. اما، آنها باید بدانند که بعد از وعده رژیم سرمایه داران و معالشان اعتدالی نیست، چه بسا بعد از این اقدامات و سر از

گذشت مدتی وافت روحیه مبارزاتی در میان کارکنان، همین دستاورد های مقطعی نیز از دست بیرون. کارکنان مبارز و آگاه هواپیمائی طی با همستی متوجه شدند که اگر با ارتقا خواستهای تحکیم وحدت در بین کارکنان و ایجاد تشکلهای لازم این شرایط، بعد اوم مبارزه را تضمین نکنند، حرکت آنها نهایتاً موفقیت آمیز نخواهد بود. اگر توجه نکنند که سمت گیری تمامی این مبارزات مباحثی تا سرنگونی رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی به پیش رود و اگر کارکنان هر هری این مبارزه در هواپیمائی یعنی کمیته‌های محلی مقاومت و اعتصاب متشکل از کارگران و کارکنان مبارز آگاه موجود نباشند، این حرکت موفقیت آمیز نخواهد بود. خواهد گزاید. اما با این وحدت و هماهنگی و روحیه قوی مبارزاتی که کارگران و کارمندان مبارز هواپیمائی طی از خود در این حرکت نشان دادند، بی‌یقین نقشی مهم خود را در ادامه مبارزه تا سرنگونی رژیم انقلابی خواهند نمود.

تولید آرزو . . . بقها از صفحه ۳

تن از اعضای انجمن از جمله رئیس امور اداری کشید می‌شود کارگران مصرام از بدیهی می‌خواهند که به این مسائل رسیدگی کنند. مدبرعامل هم که خود را در تشکلی خشم کارگران می‌بینند تا روز شنبه صیلت می‌خواهد تا رسیدگی کند. فرد ای آنروز پیش اضافه تولید را بکارگران میدهند و کارگران با این استدلال که: "جمهوری‌مان را بگیریم و چه نگرییم مسئله رسیدگی می‌شود پولهایشان را دریافت میکنند. در همین روز سه شنبه ساعت ۱۱/۵ - کارگران بملاوه مد های از کارمندان جلو در سالن قسمت ۱ تجمع میکنند و خواهان اخراج سرپرست این قسمت که عضو انجمن اسلامی است میگردند. فرد مزبور بناچار از سالن خارج میشود. سپس کارگران که حدود ۴۰۰ الی ۵۰۰ نفر بودند با تکبیر و صلوات به طرف امور اداری رفته و خواهان اخراج رئیس امور اداری میشوند. مد های از انجمنی ها جلود را بستاد و از کارگران می‌خواهند که سرکار خود بگردند و تولید را نخواهند آسما کارگران می‌گویند هدف ما خواهان بدنبال تولید نیست بلکه هدف ما اخراج فلان شخص است. سپس اقدام به دادن شعارهایی از قبیل "فلانسی اخراج باید گردد"، "انجمن اسلامی اخراج باید گردد"، "فرمان هشتاد و دو ای اجرا باید گردد" میکنند. بالاخر رئیس انجمن اسلامی قبول میکند که رئیس امور اداری را به شغل سابقش که کارمند ساده بود برگرداند

سپس کارگران به سرکار خود بر میگردند اما فرد ای آنروز یعنی چهارشنبه اطلاعاتی از طرف مدبرعامل صبی بر اینکه مد های ضد انقلاب قصد دارند کار را به خواهانند منتشر میشود و از ستاد پیگیری فرمان امام خواهان رسیدگی به این مسئله میشود، از طرف دیگر کارگران نیز طوماری تهیه میکنند و در آن متذکر میشوند که مد لیل سوء استفاده بعضی از اعضای انجمن اسلامی و شرای اسلامی از موقعیت خود در فشار گذاشتن کارگران و به کارگزاران جاسوسی که جوخفقان و وحشت را در کارخانه بوجود آورد هاند، از ستاد خواهان رسیدگی به این مسائل میشوند می‌خواهند ستاد نمایند های بفرستد تا بقیه مطالب حضور گرفته شود. این طومار را اکثر قریب به اتفاق کارگران امضاء میکنند.

وظیفه عناصر آگاه و مبارز و پیشرو اینست که برای کارگران توضیح دهند، اصلاح اندیشه‌های اسلامی جز با انحلال کامل آنها و نفی شان بطور کلی قابل تحقق نیست، فرمان ماد های خمینی نیز در واقع فرمانی برای امتیاز دادن به سرمایه داران و طبقه کارگران و زحمتکشان است و اینکه چنین فرمانی گری از مشکلات کارگران باز نخواهد کرد. کارگران پیشرو می‌بایستی با تمام توان در جهت زنده شدن اینگونه توهمات خود مبارزه کنند و نسبت به رژیم و نهاد های آن حرکت کنند و هر چه بیشتر ضمن توضیح این مسئله بیگان حمله کارگران را طبقه کل رژیم متحرک گردانند.

بخشنامه وزارت کار برای جلوگیری از افزایش دستمزد کارگران

اغیرا بخشنامه محرمانه‌ای از طرف وزارت کار برای مدبران کارخانه‌ها صادر گردیده است. در این بخشنامه قید شده است که مدبران تحت هیچ شرایطی حق اضافه کردن حقوق کارگران را ندارند و تا کبد شده است که اگر مدبری حقوق یک کارگر را اضافه کند ضد انقلاب محسوب شده و مجازات میگردد، وزارت کار رژیم جمهوری اسلامی کهبا تدوین پیش نویس قانون کاریکی از ارتجاسی - ترین قوانین کام جهان را ارائه داده و سیاست ضد کارگری برای شروع کارگران بر ملا گشته است. این با روی دست مدبران و سرمایه داران بلند شده و می‌خواهد آنها را از این اضافه حقوق بر حذر دارد. و اگر چنانچه مدبری در اثر مبارزه و فشار کارگران مجبوره اضافه کردن حقوق آنها بود، اینک با استناد به این بخشنامه بر احضار آن طرفه مبرود. وزارت کار با این بخشنامه می‌خواهد مدبران را با هم متحد کرد و نونکارد کارفرمائی در یک واحد تولیدی حقوق کارگران را اضافه کند تا با اسباب کارگران بیشتر این خواست را مطرح کنند و فشارهای سراسری که بهین ترتیب وحشت رژیم است منجر شود. اما کارگران که از این بخشنامه‌های محرمانه در جهت تقویت کارفرمایان فراوان زنده ماند و بخوبی ماهیت رژیم را شناخته اند، مبارزه‌ای اساسی و بی‌امان راهی خواهند گرفت.



II عفو شاهانه "امام"

"متصدیان امور ستاد پیگری کوشش نمایند که با سرعت به زندانها و حال زندانیان رسیدگی نمود و کسانی که عفو شان ضروری به جمهوری اسلامی نمیکشود... (رسیدگی بوضعشان را) تسریع نمایند... لیکن با مفسدان و گروهبانهای فاسد و مفسد با

شدت عمل رفتار کنند". (سخنرانی خمینی - کیهان ۱۹ بهمن ۶۱)

هر روز که میگذرد چهارم رژیم جنایتکار و خصم صیحه خیمین جبار که خود را در راه الهه قد است و بهما میرگوت قرار میداد و تودوهای نا آگاه ام صفریست، عریان تر میشود. تودوهای یکبار پیگری چهارم جبار را دیدند و فرمان "اورا شنیدند". اینبار رژیم و خیمین از ازار "امت" توسط مزدورانش نمی نالید، که خود "شدت عمل" آنانرا نسبت به انقلابیون فرمان میداد. اینبار او در پنهان حکم اعدام و شکنجه مبارزان و فرزندان دلاور خلق را صادر نمیکرد، که آشکارا فرمان میداد تا مزدورانش نفرت انگیزترین شکنجه ها را هر چه بیشتر بر آنان روا دارند. خمینی اینبار به تعجیل آمد بود تا مطمئن شود که از فرمانش "سو" تعبیر نشده باشند. آمد بود تا هرگونه تردید و تزلزل مزدوران رژیم سرمایه داران را در اعمال فشار و کشتار مردم انقلابی پایان بخشد، تا با زهم بگوید که او در فرمانش "منافقین و گروهبانهای محارب" (بخوانند فدائی و مجاهد و...) را "مستثنی کرد بود" و اگر امتیازی هم در کار است، سرمایه داران و فراریان، به مساواکی ها و قاچاقچیان و منحرفین و... تعلق میگرد.

آنگاه که رژیم بنابه فتاوی آشکارا و نهان خمینی، کشتار و وحشیانه خلق را در دستور روز قرار داد بود، بخشی از تودو ها که هنوز توهمی به خمینیس داشتند، در مقابل بی بردن بواقعیات تلخ و جنایتکارانه رژیم، گمان میبردند که خمینی از این فجایع آگاه نیست! آنگاه که زندانها مرفقت تا از زشتترین جوانان خلق انباشته گرد و وسیل خون جاری شود، تودوهای متوهم اطرفیان خمینی استیصال دانستند و خمینیس را بی اطلاع و بی گناه! "اما امروز که بردهای فریب و ریاکار میروند و جای آن را قاحت و بیشرمی سرگوب عریان میگرد، نطق و خطبای چاکر و گلهان و مزدوران رژیم بهین بست میروند و خمینو، بیشتر بقیه در صفحه ۱۶

یادداشت های سیاسی...



I بورژوازی به نوکران خود رحم نمی کند

مورد تعرض رژیم قرار داشت و غیرغم آن به خوش خدمتی در استان بورژوازی همدان ادامه میداد نیز مشمول الطاف رژیم شده است!

سازمان ما در سال گذشته و پیش از وقایع سی خرداد، در گزار شماره ۱۱۲ مورخ ۱۳ خرداد ۶۰، ضمن افشای یک سند درونی از رژیم که حاوی طرح توطئه سرگوب گروهها و سازمانهای انقلابی و سپس در پیگیری جریانات موجود بود، اعلام نمود که طبق این سند رژیم تصمیم دارد ابتدا سازمانهای انقلابی را بنیابد و نیروهای بالفعل ضد رژیم سرگوب نماید و سپس بسراغ جریاناتی همچون حزب توده و اکثریت و جبهه ملی و... خواهد رفت. اکنون این امر تحقق یافته است. اینکه رژیم علت دستگیری سران حزب توده را جاسوسی برای شوروی خوانده است تنها یک بهانه و توجیه احمقانه نیست چرا که طبق سند فوق که تاریخ ۱۱/۱۱/۵۹ بتصویب سرگوب آن رژیم رسیده است گواهموشنی بر برنامه از پیش تعیین شده رژیم بوده

رغمیستهای خیانت همیشه، این مزدوران بی چیره و مو واجب بورژوازی حاکم، سرانجام به صلح کشیده شدند و قربانی جنایتکارانی شدند که خود نیز تا کنون شریک جنایاتشان شده بودند. آنها تصور داشتند که میتوانند از طریق خدمت به بورژوازی، بقای منفعل خود را گدائی کنند، آنها از همان ابتدا ای بقدرت خزید رژیم جمهوری اسلامی، در رویای واهی ست گیری سوسیالیستی رژیم بسر میبردند و برای توجیه ماهیت ضد خلقی و ارتجاعی رژیم به حیللهای گوناگونی متوسل گشته و از جمله جناح "خوب" بود برای آن میتراشیدند و بنا بر پایه طبقاتی واید نولوزی روزیه نیستی خود، همواره در خدمت بورژوازی حاکم قرار داشتند و رژیم جمهوری اسلامی، هنگامیکه بانها مختلف از این چاکران درگاه خود سود جست، آنان را بد ورافکنند تا همچون همیا لکچرهایشان تجربه تا بخوابند و بیگانه زما بیند و فرزند خلفان یعنی جریانی موسوم به "اکثریت" (اعم از جناح فرخ نکند ارو کشتگر) که از دیرباز

III شکست مقتضای عملیات والفجر و تبلیغات دروغین رژیم

پیروزی بزرگ و تو خالی بودن تبلیغات گرگنده آن پیش از این حمله بود که "الفجر" را حمله آخر ایران نامید و حتی فسنجانی گفته بود که "ارگان و مطبوعات عراق برای برکشتن به کشورشان آماده میشوند". (کیهان - ۱۸ بهمن). لیکن پس از گذشت ساعات اولیه حمله و روشن شدن نتایج واقعی آن و عقب نشینی نیروهای ایران پس از کشتار و تلفات فراوان، عقب نشینی سردمداران رژیم از ادعاهای پرگو یا نه خویش نیز آغاز شد. فسنجانی این حمله را - غیرغم چند روز قبل، "مرحله مقدماتی از مرحله اول عملیات نامید، میر حسین موسوی در پاسخ سوال خبرنگاری که احتمال وجود وقفه در میان قسمتهای مختلف عملیات را طرح کرد، جواب داد که: "این عملیات ادامه! بقیه در صفحه ۱۴

جنگ ارتجاعی ایران و عراق یکبار دیگر فعال شد و بعد بهبشماری از نا آگاهترین جوانان رایگام مرگ فرو برد. عملیات والفجر که در ۱۲ - بهمن صورت گرفت، در طول دو سال ونهم جنگ، به بزرگترین شکست رژیم منجر شد چرا که برخلاف تبلیغات دروغین رژیم که سعی کرد نتیجه این حمله را پیروزی چشمگیر قلمداد کند، بیشترین کشته و زخمی را نصیب آن کرد. تعداد کشته ها آنقدر زیاد بود که رژیم جرات نکرد به یکباره احصا را به شهرها منتقل کند و این عمل را در رویدادی طولانی پیش برد تا از خشم تودو ها در میان بماند و با اینکه ۲۰ روز از حمله میگذرد هنوز احصا در کشته شدگان بتدریج از سردخانه اهواز منتقل و تحویل خانواده ها میشوند. نکته جالب توجه در این میان بر ملا شدن دروغ فاجح رژیم مبتی بر

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلق های ایران

بورژوازی . . . بقیه از صفحه ۵

وازمهیت طبقاتی رژیم
ناشی میشود . زمانیکه رژیم جمهوری
اسلامی برنامه فوق راه اجراء آورد
و فعالیت تمامی سازمانهای انقلابی و
مترقی را غیر قانونی اعلام کرد (اولین
مرحله طرح) برای اینکه ظاهر
میکوید که ان خود را با ماسک دمکراتیزم
پوشاند نیازمند آن بود که جریانی
همچون حزب توده را اجازه فعالیت
قانونی داد و مشود تا سیاستهای فوق
را بر رژیم توجیه کند .

و ما شاهد آن بودیم که همزمان و
همزمان با روزی نامه های جبرمخوار
رژیم روز نامه های وابسته به حزب
توده هم از فحاشی علیه نیروهای
انقلابی و ترغیب خواه افروزد ارتکرادند
اما همفکری میداشتند که تنها
منقوش شدن سنگفرش خیابانها به
خون پاک فدائیان و مجاهدین بود
نیروهای میزبند مخلق بود که اجازه
میداد حزب توده و وهما لکنها پیش
در گردایی فعالیت قانونی از حاکمیت
موفق باشند و اینگونه رژیم از آنان
بهر محبت را کنون کمرد مها برید و
چهره مکر به آشکار گشت است و دیگر
نیازی به ماسک دمکراتیزم ندارد و
در آن سود جوئی از آنها به پایان
رسیده است . رهبران خائن حزب
توده و اکثریت گمراه بر پایه منسی
بد نیال سرکوب مرمان و وحشیانه
رژیم . طیرم خوش خدمت های
پنهان رو آشکار ، زندگی نیمه مخفی
اختیار کرد بودند و با توجیه قدرت
گیری با اصطلاح " جناح راست " و
عبارت دیگر جناح حجتهد رحاکمیت ،
توده های تشکیلاتشان را مستحسوی
مغزی میدادند و تحقیق میکردند ،
اینکه در بر رین بستی آشکار گرفتار
آمد هاند چرا که از سوی جناح خوب
نیز معجزه های بوقوع نیبوست و شور بهی
و رشکست آنها نند باخته تر از پیش
رخ نمود . اگر کارنامه ساسکه حزب
توده و سیاستهای این جریان ضد
خلق را پس از روی کار آمدن رژیم
بررسی کنیم (اگر چه همین سیاست در
دوران رژیم شاه نیز هینا تکرار شده
است) چیزی جز سیاست دفاع
آشکار از رژیم جمهوری اسلامی و سرکوب
کردن توده ها به عهد و اصلاحات جزئی
بمنظور کند کردن تعارض های طبقاتی
و سازش بین فارتکران خلق و غارت
شدگان رانسی بنیم . آنها در به
اصطلاح شور بها و تزه های خود ، ابتدا
سخن از سیاست اتحاد مبارزه با
حاکمیت ضد انقلابی جمهوری اسلامی
را پیش کشیدند ، و هر چه پیش
رژیم بکارگران و زحمتکشان به نیروهای
انقلابی و خلاصه به دستاورد های
قیام افزون تر شد آنها گامی بعقب

بردشتند ، اینبار در بر از سیاست
اتحاد و اتحاد ؟ آنهم اقتصاد
جدی سخن بمان آوردند و همین
ترتیب گام به گام به سیاست اتحاد
- ارشاد و سرانجام اتحاد است
با اگر منشی ، جاسوسی و همکاری
کامل باشد انقلاب عقب نشینتد و
بنیضاً کارنامه ننگین و شرم آور خویش
را رقم زدند . آنها همواره مکاران و
دیکر زحمتکشان را به تنگن و انتظار
دعوت میکردند . از کارگران میخواستند
که هر چه بیشتر کار کنند و قبول آنها
تولید را افزایش دهند و در همین حال
از کلبه حقوق و مزایای خویش گذشت
نمایند تا مبارزه ضد امپریالیستی
رژیم بنفع سرمایه داران بخوبی پیش
رود و در هفتان را به امید بنید های
مختلف از الف گرفته تا ج و م
سرگرم میکردند و در یوار کوچیه و
خیابانها را به اینگونه بند هسا
می راستند . بگروند انشجویان
انقلابی را که در سنگرد انگاه بد فاع
از منافع خلق برخاسته بودند به
تسلیم سازش با رژیم ترغیب میکردند
و روز بگر شلاق بد ستان سرکوبگران
رژیم را به رفتار ملامت متقاعد مینمودند .
انها از نیروهای انقلابی و توده های
تحت ستم میخواستند که دست از
انقلاب بردارند و حتی پارا فتر
نهادند و انقلابیون را ضد انقلاب خطاب
میکردند و زمانیکه کوس رسوائی رژیم
در جنایات و شکنجه ها پیش در سطح
جهان پلنی و افشاشد ، از شکنجه گران
میخواستند که ملامت تر شکنجه کنند و از
همه حال بر این که اعمال خستنیهای
وحشیانه رژیم را نتیجه عطیات سلحله
نیروهای انقلابی قلمداد میکردند . ما
در اینجا به شک زدنیا و تغییر
سیاستهای روزانه آنها نمیرد ازیم
که مشنوی هفتاد من کاغذ خواهد شد .
تا باید بالزرگان و مدنی و نزهت سوسر عامل
اصبرالیزم را دستن آنها و . . . در پل
برای همه انجنان آشکار است که
احتیاج به روز مجد ندارد .

اما تمامی این سیاستها و کلیه نصایح
و رهنمود های آنها و همکار بهای بسی
در پیشان در تا باید و توجیه سیاستهای
جنا بکارانه ، استعمار گرانه و ضد
خلق رژیم موشر نیفتاد . نهایتاً گریبان
خود آنان را نیز گرفت و سرانجام رهبران
خائن حزب توده و تعداد بسیاری از
کارهای حزب دستگیر شدند . حزب
توده که از بر باز پذیرش تزه های
روزیونیستی خروشچنی و مصیبات
کشور های ۲۰ و ۲۰ صنی بهره ر شد
غیر سرمایه ، گذار مناصت امیز و نفی
گذار قهر آمیز ، رقابت اقتصادی و نفی
رهبری پرولتاریا در سطح ملی و . . .
در مقاطع مختلف به جنبش انقلابی
ایران خیانت ورزید و میثا به کار گزار
بورژوازی عمل کرد و است اینک خود

قربانی تزه های انحرافی خود شده
است . اما این اولین بار نیست این
شور بها که حزب کمونیست شوروی نیز
از آن تمیث میکند با شکست مواجه
گشته است . و رشکستی شور بهای
فوق در سطح بین الطلی در پیکر قابل انکار
نمیتواند باشد چرا که در هیچیک از
کشور های مورد آزمایش متحقق نگشته و
حتی شکست همجانبه آن در کلبه
کشور های کمورد تجربهارد و گناه
سوسیالیستی و بویژه شوروی قرار گرفته
است ، تا اثرات مخرب و تضعیف
کنند های بر جنبشهای انقلابی و
انقلابیون آن کشور ها داشته و حتی
ارد و کاسوسیالیستی را نیز تضعیف
نموده است نمونه های برجسته شکست
قطعی این تزه ها در مصر ، سومالی ،
سودان ، سوریه ، الجزایر ، عراق و
بالاخره ایران انجنان آشکار بوده
است که حتی برای مد امین این
شور بها قابل انکار نمیتواند باشد .
بویژه در مورد رژیم جمهوری اسلامی که
ماهیت بورژوائی ، ارتجاسی و ضد
کمونیستی اش از همان ابتدا ای قدرت
گیری انجنان آشکار بود که حتی توهمی
را نمیتوانست برای بناد بان امین
تزه ها در مورد برخی از کشورهای
ناحرد بهر ای مد تی موجود باشد ،
مصور نبود . بویژه شعار های ضد
شوروی و رکنار شعار ظاهرفریب مرگ
بر امریکا رژیم و حملات متعسدر
اوپاش رژیم بهتا وین و پوششهای
مختلف بسفارت شوروی که آخرین بار
یکماه پیش صورت گرفت و تمام با آتش
زدن پرچم شوروی بود بکار بگر این
توهما ت را در هم شکست حال اگر
رژیم جمهوری اسلامی به برخی قرار
داد های ایران با شوروی و سایر
کشور های سوسیالیستی تن داده -
است تنها و تنها از زاویه به به ایران
اقتصاد موجود و منافع اقتصادی
بلا واسطه ایست که از این گونه قرار داد
ها عاید رژیم میشود . گو اینکه این
میادلات کاملاً پاپایای بود مو میزان
آن حتی با احتساب کل واردات نسبت
به زمان شاه کمتر است و عمدتاً در قبال
فروش نفت انجام میگردد و عمده
تجارت رژیم با کشورهای امپریالیستی
میباشد که از طریق خاک شوروی
ترانزیت میشوند بطوریکه میزان
ترانزیت نسبت به زمان قبل از انقلاب
دوبرابر ونیم شده است .
اما اساس شور بهایی که بر اساس
انها روابط اقتصادی شوروی و سایر
کشور های سوسیالیستی با کشورهای
نظیر ایران توجیه میشود رقابت
اقتصادی با غرب و همچنین کمک به راه
رشد غیر سرمایه داری است . اعتقاد
انها بر اینست که خرید بورژوازی بکمک
کشور های سوسیالیستی قادر است
حمت گیری سوسیالیستی نماید . این
شوری تحریف . بقیه در صفحه ۱۸



در تدارك . . . بقیه از صفحه ۱

تل‌های شعشی را که موجود آورد ما ست، پس از تبرک از سر راه برداریم. (جنگ داخلی در فرانسه). این مفولیت قرون وسطایی این ترازوی جمهوری اسلامی، که با شکنجه و آزار، زندان و تبعید و کشتارهای وسیع و سبعمانه، همچنان لرزان بر سر نیزه نشسته است، هیچ راهی جز بجزیک قیام مسلحانه نجد در برابر مردم قرار ندارد.

ارتجاع حاکم جمهوری اسلامی نمره بلا واسطه قیام نبود، برآمد از بطن

قیام مسلحانه تودرها نبود. تودرها خود مستقلاً و در تقابل با خط مذاکره و سازش رهبری خرد بورژوازی - بورژوازی برای انتقال سلطنت آمیز قدرت، قیام را آغازیدند، اما نتوانستند آن را به سرانجام قطعی برسانند. چرا که بطور کلی هر آنچه در قیام رخ میدهد و نتیجه میشود نمیتواند تجد از زود تدارك قیام باشد. در این رابطه، در جمع بندی از تجارب قیام در کار ۱۶۳ گفتیم: "هر چند هر انقلابی تحول عظیمی در زندگی ملیونها تن از توده های مردم محسوب میگردد، اما اگر زمینه های یک چنین تحولی بطور کامل فراهم نشده باشد، پیروزی قطعی انقلاب غیر ممکن است. این درست است که کارگران و زحمتکشان ایران با قیام مسلحانه خود رژیم شاه را سرنگون کردند، اما این به تنهایی کافی نبود، مسئله اساسی هر انقلاب قدرت سیاسی است. ما در آن گفتیم که توده های مردم برای نکتة وقوف و آگاه شدن باشند. . . انقلاب به پیروزی قطعی نخواهد رسید. این اولاً؛ و ثانیاً؛ رهبر انقلابی بمنظور در هم شکستن قدرت طبقات حاکمه باید ارتش و بورژوازی پمشا به اهرمهای اقتدار در هم شکسته شود. . . اما، اینجا که خبری انقلاب در دست طبقه کارگر نبود و توده های مردم بطور کامل ارتش و بورژوازی را در هم نشکستند، رژیم جمهوری اسلامی بسرعت به بازسازی دستگاه های سرکوب و مستمری پرداخت. تودرها، با تمام شور و شعف جانپای و قهرمانیهایی که در قیام از خود بروز دادند، اگر چه نتوانستند دامنه انقلاب را بیسی فراتر از توان و خواست رهبران گسترش دهند، ولیکن نتوانستند به این دو ساله اساسی یعنی کسب قدرت سیاسی و در هم شکستن کامل ارگانهای سبکسازت

طبقاتی بورژوازی نائل آیند. آنچه که پس از قیام، با استقرار جمهوری گیلانی حاصل شد، تدارک و منطقی دوران - تدارك قیام بود و نیز اگر رژیم نتوانست بلافاصله دستاوردهای توده ها را پایمال نماید، نتیجه شرکت شورانگیز تودرها در قیام بود.

بسی شک طبقات و اقشار مختلف خلق با توجه به مطالبات مشخص طبقاتی و نیز مطالبات عمومی و مشترک که آنها را در یک سمت و سو قرار داده (وطی - الظاهر، این عمومی و مشترک بودن مطالبات، تفاوتی واقعی آنها را زایل میسازد) در قیام شرکت میکنند. قیام نقطه اوج یک دوران انقلابی است که مبارزات طبقاتی به اکثرین مرحله یعنی قیام مسلحانه ارتقاء می یابد. از این رو، تدارك قیام، بطور اعم، عبارتست از تدارک مبارزه طبقاتی، پیروزی در دوران انقلابی که به معنای گسترش یافتن می یابد. از این لحاظ تدارك قیام، در سه بعد اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک جریان دارد. اما تدارك قیام، بطور اخص و بلاواسطه بمعنای تدارك سیاسی - نظامی قیام است.

در اوج گیری مبارزات طبقاتی، زمینی فراموش کردیم که در پرتو جنبش عمومی بسته است و تاخیر در اقدام برابر با مرگ است. زمانه که نمیتوان در انتظار نشست، و الا ممکنست همه چیز از دست برود. همین یکروز قبل از قیام اکثر در نامه های به اعضا، کمیته مرکزی در بار ضرورت برپائی قیام، نوشت: "تاریخ، انقلابیونی را که میتوانند امروز پیروز شوند (و قیام امروز پیروز خواهند شد) ولی چنانچه کار را بفرمایند از دست بیم آن میروند بیسی چیزها از دست بدهند، بیم آن میروند همه چیزها از دست بدهند، در مقابل تاخیری که رومید آرند نخواهد بخشید. اما باید اضافه کرد که هیچ انقلابی و سازمان انقلابی اگر خود را برای چنین روزهایی که همه چیز عمومی بسته است، در دوران تدارك قیام آماده نکرده باشد، نه تنها نمیتواند لحظه آغاز قیام را به درستی برگزیند، بلکه در صورت آغاز قیام توسط تودرها (آنچنانکه در ۲۲ بهمن بوقوع پیوست) نمیتواند قیام را در جهت منافع تاریخی پرولتاریا و زحمتکشان رهبری کرد و بویا حتی نقش تعیین کننده داشته باشد.

در ۲۲ بهمن ماه، انقلاب پیروزی قطعی نرسید، چرا که در دوران - تدارك قیام، پرولتاریا نتوانست زمینه های رهبری سیاسی - نظامی

خود را ایجاد نماید. برهمن، رهبر جنبش با طرح شعارهای عمومی و مشترک، بسیاری منهم و در رقابت آلترا نتوان انقلابی فعال و توده های بسیار تکلیف بر تودهم تودرها و اعتماد نا آگاهانه آنها، در دوران تدارك، رهبری سیاسی خود را بر جنبش تحمیل نمود. پیشاهنگ پرولتاریا، طی این دوره نتوانست در جهت تشکیل صف مستقل سیاسی طبقه کارگر حرکت کرده و در جهت کسب قدرت سیاسی برنامه ریزی کند. تصرف قدرت کار قیام است. و باید از پیش در این جهت تدارك دید. زمینه های کسب قدرت سیاسی پرولتاریا، طی یک مبارزه محار طبقاتی و از طریق سازماندهی، تبلیغ و ترویج و طایف انقلاب حصول برنامه عمل انقلابی پرولتاریا فراهم می آید. در این مبارزه، پرولتاریا ضامن این که خود را متشکل میسازد، مبارزات توده های وسیع زحمتکشان را (آگاهانه و داوطلبانه) در حصول برنامه عمل انقلابی که موبد منافع واقعی مجموعه ملت است، متشکل کرده و از این طریق راه را برای کسب قدرت سیاسی در قیام هموار میسازد.

پرولتاریای آگاه برای کسب قدرت سیاسی و برقراری جمهوری در مکرانیک خلق بتدارك قیام میبازد، و ایمان به پیروزی را با هر روز میسازد، چنانچه ممکن است پیروزند آنه مبارزه کرد اگر پیشاپیش از پیروزی چشم پوشیم. در عین حال شرکت پرولتاریا در قیام فقط تحت شرایط کاملاً حتمی و پیروزی صورت نمیگیرد. واضح است اگر قرار بود فقط تحت شرایط کاملاً حتمی و مساعدی مبارزه دست بازید بشود، آنوقت تاریخ جهان خیلی ساده بودی در سر ساخته میشد (مارکس، نامه به کولگمان). پرولتاریا با عمل انقلابی خود و با حمایت و پشتیبانی عملی از منافع واقعی مجموعه ملت شایستگی خود را برای امر رهبری تودرها و کسب قدرت سیاسی تدارك میبندد. در عین حال، ضمن این که ایمان به این پیروزی را به طرفدارانش انتقال میدهد، حتی برای لحظه ای از شرکت در قیام به این دلیل که هنوز امر رهبری حاصل نشده است، تردید بخود راه نمیدهد. انگلس در مورد شرکت طبقه کارگر آلمان در قیام ماه مه ۱۹۱۹ (میگوید: "طبقه کارگر در این قیام شرکت جست، همچنان که در هر قیامی شرکت میکرد که بانیود رفع برخی از موانعی را به آنها میداد که سد راه پیشرفتشان در جهت کسب قدرت سیاسی و انقلاب اجتماعی است، و با حداقل طبقات بقیه در صفحه ۸

رژیم جمهوری اسلامی را باید بایک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برداخت

متفکر و کم حسارت تر جامعه را بجرمان قطعی ترو انقلابی تری از آنچه که بحال در نبال گردانند ، مقید میساخت . طبقه کارگر در نهایت آگاهی به این نکته بن کشش ، از لحاظ هدفهای بیلا واسطه آن ، بوی تعلق ندارد و دست به اسلحه برد . . . تا جریانات را ببحرانی بکشند که بدان طریق با ملت به قیاس نسبتا مطلوب و ناچارا به مسیر انقلاب کشاند مشوند ، یاد رهبر اینصورت ، تا آنجا که ممکن است شرایط ماقبل انقلاب را احیا کرد موبد آن وسیله انقلاب نویسی را اجتناب ناپذیر سازد . (انقلاب و ضد انقلاب در آلمان) .

دو تدارک . . .

بقیه از صفحه ۷

سپادت بورژوازی فقط بدست پرولتاریا امکان پذیر است . زیرا پرولتاریا آن طبقه خاصی است که شرایط اقتصاد زندگی و شرایط برای اجرای این سرنگون ساختن آماده میکند بوی امکان نیروی این اقدام را میبخشد . بورژوازی ، در همان حالیکه دهقانان و طبقه قشرهای خرد بورژوا را متفرق میگرداند میسازد پرولتاریا را بهم میگرداند و متحد و متشکل میسازد . فقط پرولتاریا است که در سایه نقش اقتصاد ی که در تولید بزرگ دارد - میتواند پیشوای همه توده های زحمتکش و استثمار شونده های باشد که بورژوازی آنها را در معرض استثمار رستم و فشاری قرار میدهد که چمسا از آن پرولتاریا کمتر نبود بلکه شد بد تر است ، ولی این توده ها را توانائی آن نیست که مستقلا در امرهایی خویش مبارزه نمایند . (لنین ، دولت و انقلاب)

آنچه که از قیام سر بر خواهد آورد ، در کلیت خود ، نتیجه آن وقوف و آگاهی است که توده ها در دوران تدارک قیام کسب کرده اند . اکنون ، بقول لنین ، باید تمام فراقسیون خود را به کارخانه ها و سربازخانه ها و . . .

گسیل داریم : جای بوی آنجاست ، هفت زندگی آنجاست ، سرچشمه نجات انقلاب آنجاست ، آنجا باید مفاد برنامه خود را توضیح دهیم و با تمرکز تمام فعالیت فراقسیون در کارخانه ها و سربازخانه ها و . . .

الحظه آغاز قیام را بیدارستی بر خواهیم گزید (مارکسیسم و قیام) .

ساله اساسی هر انقلاب قدرت سیاسی است و بهیروزی قطعی انقلاب منوط به کسب قدرت سیاسی از سوی پرولتاریا و متحد بنش میباشد ، این اول . و ثانیاً ، اگر این قدرت سیاسی بخواهد بر روی پا های خود استوار شود ، انقلاب را برگشت ناپذیر نموده ، منافع توده های خلق را پاسخ گفته و در راه مسوئالیسم گام بردارد ، باید دولت بورژوازی را نابود کند ، ارتش و بوروکراسی را بشکند ، هر صهای اقتدار طبقاتی بورژوازی در هم بشکند ، خلق را مسلح کند و ارگانهای اقتدار توده های را جایگزین دولت بورژوازی بنماید .

بجز این باید گفت : تمام انقلابها ، بجای در هم شکستن این ماشین ، آنرا تکمیل نمود مانند . وسیع آنرا بر علیه انقلاب بین بکار گرفتند جمهوری اسلامی در کنار با ساز و بار گانه های سابق که در انقلاب بطور قطعی در هم شکست ، ارگانهای جدید تکمیلی سرکوب را باید بگذرد تا با سببیتی هر چه قطعی تر انقلاب بونی را که بر روی شاههای وی به منزلت رسیده بود ، سلاخی کند و دولت طبقاتی خود را استحکام بخشد .

برای اولین بار در تاریخ ، این قیام ۱۸ مارس کارگران و زحمتکشان پارسی بود که طریقه قتی نوین را در انقلاب بسا به ضمه ظهور رسانید . انگلیس در مقدمه خود بر جنگ داخلی در فرانسه ، این درس گرانهای کمون را چنین جمع بندی میکند : کمون از همان آغاز کار بر روی برود که وقتی طبقه کارگر قدرت میسرند ، نمیتواند با دستگاه قدیمی در ولتی بکار خود را ادامه دهد و مخاطران که تسلطی را که دست آورد ماست در باره از دست ندهد ، طبقه کارگر باید از یک دستگاه متعدد در قدیمی را که تا آن وقت بر علیه خود بن بکار میرفت با دست از زمین ببرد و از سوی دیگر برای آنکه خیالش از جانب نمایندگان و کارمندان خود راحت باشد ، میباید آنها را بسوزاند . استثنای و در هر زمانی قابل انفسال اعلام نماید . شکست کمون ، به این علت نبود که دستگاه قدیمی در ولتی در هم شکست ، بلکه به این علت بود که در این مورد بقدر کافی جلوتر رفت ، آنها فرصت دادند که دشمن ، نیروی سرکوبگر خود را متمرکز کند ، زیرا سرخو استند مستقیم به آغاز جنگ داخلی شوند ، زیر الحظات گرانهای را تلف کردند و بلافاصله سوی روسای (محل تجمع ضد انقلاب) پیشروی نکردند .

همه انقلابها نشان میدهند که اگر انقلاب نتواند دستگاههای قدیمی را در ولت و مقدم بر همه ارگانهای سرکوبگر قهری را بطور کامل در هم بشکند ، و مستحکم نماید ، ضد انقلاب ، قدم به قدم و سنا به نیرویش ، انقلاب را عقب می نشاند ، تضعیف میکند ، نابود میگرداند و انقلابیون را به جوخه های مری میسپارد . این سنت جاودانه ضد انقلاب است . همه انقلابها ، انقلابهای ۵۰ - ۱۹۴۸ در اروپا ، کمون ۱۹۰۵ ، و فوری ۱۹۱۷ روسیه و نزد بکتین آن بجا ، بهمن ماه ۵۷ همه و همه در آن بر آن است که دولت بورژوازی بمجرد آن که پرولتاریا جرات کند در مقابلش بقیه از صفحه ۷

انگلیس این سخنان را در زمانی بیان داشت که هنوز دوران انقلابات بورژوازی بسر نرسیده بود . با وجود این وی با زرف آندیشی خاص به یک در بالکتسمین و طبقه اساسی پرولتاریا بهیچ کس قدرت سیاسی و انقلاب اجتماعی را خاطر نشان کرد و حرکت پرولتاریا را در قیامی که از لحاظ هدفهای بیلا واسطه بوی تعلق نداشت تنها از این لحاظ محسوس میداند که موانع امر رهبری پرولتاریا در انقلاب نویی را بر سر راه بردارد . اما اکنون که در عصر انقلابات پرولتاریائی از نظر تاریخی - جهانی عینیت یافته است ، آنچرا که انگلیس بیان داشته ضرورت عینی یافته است . در ایران نیز ، تجربه قیام ۲۲ بهمن ماه نشان داد که بد و ز رهبری پرولتاریا در انقلاب و کسب قدرت سیاسی از طرف وی ، انقلاب نمیتواند بهیروزی قطعی نائل آید . اکنون ، بطور مشخص علی ناگامی مطالبات توده ها و مطالب شدن در دستاورد های آنها از طرف هیات حاکمه جمیوری اسلامی که بنام توده ها اما بر علیه آنها قدرت سیاسی را قبضه کرد ، آن زمینه های مسوئالی است که با تکمیل نمیتوان توده ها را به این نکته وقوف و آگاهی داد که مساله اساسی هر انقلاب قدرت سیاسی است . اکنون بطور مشخص ، با تکمیل به تجارب طمعوس قیام بهمن ماه ، با تکمیل برنامه عمل انقلابی پرولتاریا ، با تکمیل مبارزات پرولتاریا تحت این مغولیت قرون وسطائی که اثبات کرد مقاومتین و تنها طبقه تا به آخر انقلاب است و با تکمیل . . . میتوان توده ها را به این نکته وقوف و آگاهی داد که انقلاب تنها تحت رهبری پرولتاریا به سرانجام قطعی خواهد رسید و تنها تحت چنین قدرت سیاسی است که مطالبات برحق آنان بطور قطعی بر آورد میشود . باید توده ها را به این نکته وقوف و آگاهی داد که سرنگونی



پژوهی اشکال . . .

بقیه از صفحه ۱

اما کسی ثبت نام نمیکند و رژیم بعد از استقبال مواجه است. در گزارشی از واحد در مرداد ماه ۶۱ میخوانیم: با وجود آنکه قیلا هر ماه برای تعمیرات در جبهه اکیب های ۴۰، ۵۰ نفره بسیج میشدند، این ماه دیگر کسی را طلب نشد، فقط ۵ نفر از انجمن ها را طلب شدند.

اگر در شش ماهه دوم سال ۶۰ تحریم هنوز کاملاً فعالان فعالیت نمیشدند (بلاخص کارمندان محتاطانه همان برخورد میکردند) در این مقطع تحریم بصورت فعال در اکثر نهاد های اجتماعی صورت میگرفت. اما بهر صورت انتشار و تبلیغات مختلف در مبارزه با سطوح متفاوتی برخورد کردند. انتشار زحمتکش شهر و روستا تحریم را غالباً بصورت منفی بکار میبردند یعنی به نفع مراسم تبلیغاتی رژیم و عقیدم همکاری با مزدوران آن قناعت میکنند. حال آنکه کارگران علاوه بر آن از تحریم بصورت یک شیوه مبارزاتی برای احقاق حق خود نیز بهره میگیرند و با خوردن از انجام برخی فعالیت های تولیدی رژیم را برای جوا بگویی بخواسته هایشان تحت فشار قرار میدهند.

در رنگ سازی هپالوکس: کارگران با قطع اضافه کاری و برخی مزایای بکسر کار های اضافی انجام نمیدهند و در مقابل انجام آن کارها خواهان حق و حقوق میباشند. . . کارگران بیک قسمت از بزرگترین اضافه ظرفیت پیمانها خود را میگردانند، آنها خواهان اضافه شدن . . . تومان به حقوق خود هستند، پس از سه هفته این حرکت به کیفیت میرسد. در برق و اکتیو راه آهن در تیر ماه عده گشتری از کارگران بعلت نبرد آختن حق اضافه کاری ماههای قبل، اضافه کاری را تحریم میکنند، بالاخره مدبریت مجبور میشود حق اضافه کاری های عقب افتاد را بر پرداخت کند. این شیوه تحریم که در گسترده ترین و نهایی ترین شکل خود به تحریم فعالیت های تولیدی یعنی اعتصاب ارتقا خواهد یافت، باید در همین کارمندان نیز تعمیم یابد.

۲- کم کاری
بعد از تحریم در بین کارگران و کارمندان (بلاخص در بین کارگران)

عمومی ترین شیوه مبارزاتی که بصورتی خود انگیخته تعمیم یافته است، کم کاری میباشد. مادر کارگران ۱۴۴ ساله و ن بخشی از اعلامیه انجمن اسلامی ایران ناسیونال (۶۰/۹/۱۶) - گفتیم که ۳ قرار صریح مزدوران رژیم به وجود کم کاری و زوزه اعتصاب در کارخانجات پدیده های فوق العاده بر معنی است که به وضوح ترین صورت خود نشانگر به شرو جبهش انقلابی است. به شرو جبهش هم چنان ادامه میدهد و کم کاری نه تنها در مزدوران ناسیونال بلکه در تمامی واحد های تولیدی، خدماتی و اداری روز به روز گسترده تر میشود. پانزدهم آبان یکی از بالا پیشگامها گزارش میشود: در بین کارگران کم کاری بطور چشمگیری پدیده میشود. کارگران این کم کاری را بطور آشکار نشان میدهند که هم برای مدبریت و هم انجمن وسپاه روشن میباشد. بطور مثال تعمیرات کلسی در دو ستگاه حدود دو هفته عقب افتاده . . . و موارد دیگر که مکرراً در گزارشات ذکر شده است در سال ۶۱ کم کاری بقدری گسترده میشود که در کارخانجات برای تهیه دستگیری و اخراج کسانی که کم کاری میکنند، بخشنامه صادر میشود. در همین مقطع یکی از مسئولین در راه آهن صریحاً اقرار میکند که برای مقابله با کم کاری در سطح کل واحد، چندین موتور سوار گذاشته که کارگران را تعقیب کنند و آنها را که از سر کار در میروند دستگیر کنند. در پنجاه در تیر ماه تعداد در وفروند هلیکوپتر تحویل داد شد که نسبت به خرد آن ماه که در حدود ۶ فروند بود راند مان بسیار پائین آمده است. در پاریس مثال او آخر مرداد مدبر عامل در سخنرانیش به سرپرستها اخطار میکند که جلوی بی انضباطی و کم کاری را بگیرند. تیر ماه از واحد گزارشی داشتیم که: با آنهمه بیرویه بند کارگران هر بخشی بطور مداوم در روز فقط یک ساعت بیشتر کار نمی کنند و بقیه روز را بصرف غذا و خواب و صحبت کردن و فرار از کار میکنند رانند. و در بعضی کارخانجات گروه هایی از مزدوران بسیج تشکیل شده است تا ساعت به ساعت بینه بخشها سر بزنند و کسانی را که کم کاری میکنند شناسائی کنند. اما تا کتیکهای رژیم در مقابل با این شیوه مبارزه به نتیجه نمیرسد. حتی در شهر پور ماه یکی از مزدوران کارخانجات در سخنار بررسی مسائل صنایع کشور ضمن سخنرانی صریحاً اقرار میکند که بیشتر از ۵۰٪ کاهش تولید بعلت کم کاری کارگران است. رژیم که از بخش این خبر در سطح مردم وحشت دارد -

صحبت مدبرین مربوطه را در رجزه منتشره این سخنار هم سانسور میکند. حتی زمانی که جناب رئیس جمهور مجبور میشود علناً از پشت تلویزیون به کم کاری اقرار کند آنرا صرفاً محدود بکارمندان میکند و میگوید: بهر ادراک و خولهران که در ادارات کار مردم را درست راه نمی اندازند هشتاد درصد هم که اگر این وضع ادامه پیدا کند دولت مجبور میشود در مقابل این کم کاریها بیک تصمیم قاطعی اتخاذ کند: (اطلاعات ۱۷ آبان ۶۱)

اما واقعیت اینست که کم کاری محدود بکارمندان نیست بلکه در سطحی بسیار گسترده تر و عمومی تر کارخانجات را فرا گرفته است. اما چه در بین کارگران و چه در بین کارمندان کاملاً خود انگیخته است. در گزارشی از بن باکستر در همین رابطه آمده است: کارگران با بی دقتی کار میکنند. اجناس بیک قسمت که بیرون رفت کاملاً خراب است اما این بی دقتی و کم کاری و از زیر کارخانه خالی کردن از روی آگاهی نیست بلکه از روی غریزه است. در همین کارخانه وقتی مدبر وقت چهار نهم ساعت کم و در عوض زمان خروج کارگران از کارخانه را نیم ساعت کاهش میدهند کارگران گفتند: ما از وقت چهار کم نمیکنیم همان ساعت ۴/۵ میرویم اما میدانیم چکار کنیم! آنها میداند چکار کنند کم کاری میکنند، شکلی از مبارزه که پنهان است و امکان سرکوب آن بسیار محدود میباشد شکلی از مبارزه که فردا هم قابل پیش بردن است و خشم نهفته آنها را تسکین میدهد اما این شکل مبارزه علیرغم اینکه در تمامی کارخانجات و ادارات پیاده میشود ولی بدون هدف، ناهماهنگ و ناهمزمان بصورت میگرد و چشم انداز معینی در پیش ندارد. باید برجریان کم کاری اعمال رهبری کرد و حرکتی چنین گسترده و مدبر را در جهت ارتقا، به اعتصاب عمومی سیاسی مورد توجه قرار داد. کم کاری در سطحی گسترده میتواند به تحریم تولید و توقف کامل آن یعنی اعتصاب فرا برود. در هر کارخانه و با نظر گیری شرایط راهما هتک ساخته و متناسب با سطح مبارزات کارگران خواسته های مشخصی را پیش کشید و از طریق کم کاری کامل یا اعتصاب بیک خواسته مشخص دست یافت.

بقیه در صف ۱۰

کمیته های محلی متفاوت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم

۳- مراجعه به مسئولین و تهیه طومار

همانگونه که در قسمت اول این مقاله گفتیم ، یکی از مشخصه های مبارز مقطع اخیر ، تکامل اشکال مبارزاتی کارگران و افزایش نسبت اشکال پیشرفته تر مبارزه (چون کم کاری ، تحصن و تجمع ، راهپیمایی و اعتصاب) در مقابل اشکال ابتدائی و فراموشی بود هاست . از جمله تهیه طومار و مراجعه به مسئولین برای رسیدن به خواستها ، بتدریج بسیار کمتر از گذشته مورد استفاده قرار میگیرد . برای بررسی دلایل این امر میبایستی ابتدا بررسی کرد که اصولا علت بکار بردن شیوه های مبارزاتی کارگران چه بوده و میبایست متواند باشد . از جمله مهمترین دلایل این امر ، عدم رشد آگاهی توده کارگران بحد لزوم و وجود توهم نسبت به رژیم و ارگانها و نهاد های وابسته به آن بوده هاست . البته فعالیت انقلابی طبقه کارگر تا مدت های پس از قیام توانست بخصوص از طریق شوراهای مترقی و انقلابی بطرز چشمگیری ادامه یابد که این مسئله سبب شد تا سردمداران رژیم ضد انقلابی نیز که همواره (حتی پیش از وقوع قیام) آزاد یکا گیسزه شدن جنبش و حرکت مستقل کارگران و زحمتکشان در هراس مرگ بمبار میگردند ، در ابتدا در مقابل حرکتهای کارگری بمسکوت متصل شوند و آنگاه بحد نیاز برای سرکوب یکبار میافتند و نیروی انقلاب هر دم بر پیکر آنان ضربه میزد ، تا کنیک تحمیل رانیز همچون تمامی رژیمهای سرمایه داری ، در کنار سرکوب مریان ، به گسترده ترین نحوی بیماری گرفتند : ضمن حمله به شوراهای مترقی کارگران ، بتدریج شوراهای مزد (شوراهای اسلامی) اشکال دادند یا شوراهای واقعی کارگران را بر بستر توهم در صد بالای از کارگران نسبت به رژیم ، از درون مضمحل ساختند . انجمنهای اسلامی را بطور گسترده متشکله دادند که از همان ابتدا ای شکل گیری بعنوان نهاد های ضد انقلابی برای تفتیش عقاید ، جاسوسی و سرکوب مبارزات کارگران عمل میکردند و هر گجا که از نیروهای انقلابی و مترقی و از حرکت مستقل کارگران نمودی می یافتند ، بکمک پاسداران سرمایه علیه آنها و از هر طریق ممکن با ایجاد و دام زدن به تفرقه در میان صفوف کارگران با سرکوب مریان و خشن اقدام میکردند . زمینه ساز این موفقیت نسبی ضد انقلاب حاکم سوء استفاده رژیم از تظاهرات مذهبی در صد بالای از کارگران با صرفا توهم آنهاست . به ماهیت رژیم بسود . تبلیغات ضد انقلابی و گسترده رژیم نیز در شرایط ضعف و پراکندگی و

۴- اعتصاب

بقیه از صفحه ۹

در بسیاری موارد ، قیام نیروهای انقلابی و تبلیغات آنها به این امر کمک فراوانی می نمود . بخصوص پس از یورش گسترده رژیم و از ۳ خرداد به بعد ، به سرعت تمامی شوراهای موجود ، حداقل از محدوده ای انقلابی تهی شده ، عمدتا ماهیتی ضد انقلابی یافتند و رفتار انجمنهای اسلامی قرار گرفتند : در برخی موارد به اصطلاح در بهترین حالت شوراهای متشکل از عناصر رژیمست و سازشکار گرد گشتند . شوراهای مزد و انجمنهای اسلامی تا مدت بسیار توانستند تفرقه در میان کارگران را تد اوم بخشند و نمایندگان سازشکار باطنامزد و حزب اللهی ، مبارزات طبقه کارگر را به انحراف کشانده و لا اقل دامنه اش را نقصان بخشیدند . تا مدتی هم تضاد برخی شوراهای انجمنهای اسلامی با بدست بعضی آنکه زمینه ساز استفاده کارگران از تزلزل در صفوف بالا ای ها باشد (چنانکه امروز رخداد بالا ای جنبش است) برای دستفای از کارگران این ذهنیت را بد اورد نمود که شاید برخی شوراهای انجمنهای اسلامی در جهت منافعشان گام بردارند . اما ، بتدریج کارگران دریافته اند که انجمنهای اسلامی و شوراهای اسلامی نه در جهت منافع آنان ، بل در خدمت سرمایه اند و نقاب از چهره های این ارگانها و نهاد های ارتجاعی بر افتاد . همطراز با این روند شیوه های ابتدائی حرکت کارگران چون طومار نویسی و مراجعه به مسئولین نیز ، با زدن و شدن آخرین بقایای توهم بود و کارگران به پیونده نهاد های وابسته به جنبشهای آنها و اصولا رشد ناراضی و مخالفت آنان علیه رژیم ، عدم کارائی اش را عریان ساخت و امروز در موارد بسیار کمتری از گذشته ، بکار گرفته میشود .

پس ، مرگ تد رجیحی توهم توده کارگران نسبت به رژیم و نهاد ها و مزد و رانش ، و در عین حال تجربه عینی کارگران که بارها و بارها و بعینه عدم کارائی تا کنیک رجوع به مسئولین و عوامل رژیم و تهیه طومار و درخواست از آنان را بدیه بودند ، در طی این مدت سبب شد هاست که گذشته از تقلیل موارد بکارگیری این روش ، استفاده از روشهای پیشرفته تر مبارزه و حرکت مستقل انقلابی کارگران افزایش یابد .

۴- اعتصاب

بعد از تحریم و کم کاری ، اعتصاب در اشکال مستقل مبارزاتی کارگران جایگاه ویژه ای دارد . بالاخره در مقطع اخیر که کارگران بر اساس تجارب مقطع قبل ، به ضرورت حرکات مستقل پیش از آن پیش میبایست . از آنها بی ذهنیت کارگران و برخورد های آنها نشان میدهد که تد ای خاصی از اعتصاب دارند و حتی اقتضای مقتضای مانده ، نیز به نقش این شیوه مبارزاتی تا حد زیادی آگاهی دارند . در یکی از کارخانجات هند آمیکه خبب اعتصاب کارگران در رود لرستان پیش میشود ، هد و زیاری از کارگران با خوشحالی میگفتند : " شروع شد ! " در سال ۶۰ وقتی دولت اعلام کرد حقوقها اضافه نمیشود کارگری از دن با کمتر فریاد میزد که " با زبان بی زبانی میگویند اعتصاب کنید " و بعد از آمدن م پاسدار برای کارآموزی به یک کارخانه کارگری می گفت : " چون بوی اعتصاب را شنیدند پاسدار مستقر کردند " . همه اینها و ال بر شناخت نسبی کارگران از کارائی این روش مبارزاتی است و تجربه اعتصابات سال ۶۰ نیز در رانده ان آنها زنده است . ولی با این وجود چنانکه آثار و گزارشات ما نشان میدهد ، اعتصاب در این دوره در ابعاد بسیار گسترده بکار گرفته نشده است . ممکن است سؤال شود که تا توجه به سابقه قبلی ز هنی و تجربه عملی کارگران در زمینه اعتصاب و اثر بخشی آن ، جمعواطی در این امر و خیل هستند و چرا اعتصابات در حال حاضر بطور گاملا وسیع بوقوع نمی پیوندند ؟ ما بارها در این باره توضیح داده ایم که اعتصاب محصول مرحله پیش از رشد مبارزه است و محتاج و نیازمند پیش شرط های عینی و ذهنی معین . کارگران در مبارزه خود بتدریج اشکال پیشرفته تری را بکار میگیرند و محتوی خواستهای خویش را ارتقا میدهند . در درونهای انقلابی بخصوص (برخلاف دوران رکود) اشکال و سطح مبارزه سرعت توسعه و تکامل می یابند بویژه آنگاه که از سوی پیشرو هبری و سازماندهی شوند . با این توضیح کوتاه به بررسی مختصر اعتصابات در فاصله مهر ۶۰ تا مهر ۶۱ میپردازیم .

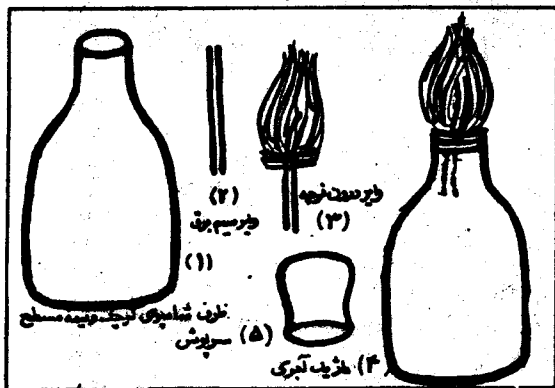
اعتصابات کارگری در این فاصله و خواستهای کارگران در جریان این اعتصابات ، در مجموع نشان از رشد جنبش کارگری دارند . آثار و گزارشات (که فاصله زیاد ی بکارگزار شایسته دقیق و منظم و کامل دارند) نشان میدهد که در ۶ ماهه دوم سال ۶۰ تنها ۳۲٪ و در شش ماهه اول سال ۶۱ نزدیک به نیمی از حرکتهای بقیه از صفحه ۹



خطاب به مبلغین

قسمت آخر

- ۱- ظرف (شیشه) شامو خالی ۲- وایپر
- سیم برق که عبارت است از بهیرونی سیم که ماده اولیه سیم از آن خارج شده است ۳- فرجه ریش تراشی ۴- سرپوشی که انداز فرجه باشد و بتوان آن را روی لیر ظرفی شامو محکم کرد ۵- رنگ جوهری یا رنگ روغنی.



وایپر سیم برق را در روغن فرجه کرد و با فرجه در شیشه یا ظرف شاموئی که در روغن آن رنگ جوهری یا رنگ روغنی ریختهاید محکم کنید مازیک آجری آماده است از این مازیک میتوان برای نوشتن بر روی سطح های زبرونا صاف (مخصوصاً دیوار آجری) استفاده نمود این وسیله بعد از گذاشتن سرپوش بر راحتی در جیب یا کیف هم جای میگیرد و زحمت حمل قوطی رنگ و برس رنگ را هم ندارد. هر نوبت که این وسیله از رنگ پر شود میتوان دره شمار نوشت. لازم است متذکر شویم که رنگ روغنی برای استفاده بسیار بیستیم به کمک نفت رفیق شود ولی چون از رنگ جوهری تراشتر تمام میشود میتوان از رنگ روغنی برای شمارهای محوری و مهم استفاده نمود و برای شمارهای که از نظر مضمون و محتوی کوتاه و زود گذر هستند از همان رنگ جوهری استفاده نمود که بسیار ارزان و در دسترس است.

از این وسیله میتوان برای چسب زنی نیز استفاده نمود بدین ترتیب که بجای رنگ آن را از سرپوش پر کرد و در جیب جای داد و خیلی سریع و تند تراکت را چسب زد بعد یوار چسباند. در صورت استفاده از سرپوش باید وایپر روغن فرجه کمی گشاد تر باشد برای بالا بردن آن مان کار میتوان در فرجه با وایپر معمولی و وایپر کمی گشاد تر تهیه نمود و در هر مورد از یکی از آنها استفاده کرد.

مازیک عمومی ترین وسیله شمار نویسی است که با آن میتوان در کیوسک های تلفن، در اتوبوسها، توالت های عمومی و... به گسترده ترین شکل شمار نوشت. بر چسب های کاغذی در شمارهای فعلی بهترین وسیله شمار نویسی است که در قطعات مختلف قابل تهیه است در این رابطه علاوه بر چسبها یا ماده میتوان از لوله های کاغذی چسب دار نیز استفاده کرد. بقیه در صفحه ۱۲

شمار نویسی

در شرایط موجود که شمار نویسی به علت جو خفقان حاکم به مشکلترین صورت امکان دارد و نوشتن هر شمار سا زمانند هی ویژه ای را می طلبد کاملاً ضروری است تمامی نیروی رفقا بعد تا حصول شمارهای ارگان و برنامه عمل سا زمان و نیز شمارهای که احیاناً از سوی سا زمان ارائه میشود متمرکز گردند و این شمارها را منطبق با سطح آگاهی، ماهیت طبقاتی و خواسته های اقشار و لایه های مختلف خلق در جایگاه خاصی خود بکاربرد شود یعنی مثلاً شمارهای ارجاع به کمیته های مخفی اعتبار در ادارات، کارخانجات، مدارس و... حوالی آنها نوشته شود حال آنکه شمارهای ارجاع به کمیته های مخفی مقاومت در محلات، روستاها و پادگانها و در حوالی پادگانها نوشته شود.

در مورد شمار نویسی هم مانند بخش لازم است مناطق از قبل شناسائی شود، کاملاً پاک بود و هیچگونه ردی با خود نداشته باشید. توجهی به آمادها باشد و علامت سلامتی بکاررود. با این مهم که در شناسائی قبل از عمل بهترین صورت آن است که محلها را لازم دقیقاً مشخص شود تا با توجه به موقعیت آن محلها زمان مناسب را برای نوشتن انتخاب کرد.

در حمل و نقل وسایل شمار نویسی لازم است نهایتاً وقت بکاررود و در هر مورد از پوشش استفاده شود. بعنوان مثال برای توجیه مازیک مقداری لوازم التحریر همراه ببرید و در صورت لزوم مدعی شوید که برای بچه دست یا آشنای خود خریدهاید. در صورت استفاده از رنگ آنرا در شیشه یا قوطی در روپخته به همراه مقداری دیگر درو حمل کنید یا مارک روی اسپری را عوض کنید و به همراه وسایل منزل حمل کنید و...

در شرایط فعلی استفاده از وسایل و اشکال قبلی برای شمار نویسی کمتر ممکن است مثلاً رنگ به علت زمان زیاد که میبرد و نیز حمل و نقل آن به ندرت استفاده میشود. باید از وسایل سریعتری استفاده کرد. شمارهای بزرگ را با اسپری یا مازیکهای بسیار بزرگ بنویسید. در بزرگ نویسی شمارهای مهم و استراتژیک نوشته شود و محلها را مانند دیوارهای جنب یا مقابل صفها، کف زمین محلها یا تجمع نمودهای، میادین تجمع بینگاران کف زمینهای فوتیال نوجوانان و... مورد استفاده قرار گیرد. توجه کنید بجای استفاده از رنگ برای نوشتن شمارهای درشت و مشخص میتوان بشیوه زیر عمل کرد این شیوه که فقط یکی از شهرستانها ابداع کرد مانند یک نمونه از آنها شیوه ابتکاری است که رفقا میتوانند بکارگیرند.

وسایل مورد نیاز:

خطاب...

بقیما: صفحه ۱۱

پشت این کاغذها با اندکی خمی شدن بی چسبند و گاهی همست علاوه بر چسب های آسفنج نم دارد چسب خود را کشاید. مزیت این لوله ها اینست که میتوان در قطع های مختلف بر چسب ها را تهیه کرد.

شمار نویسی پررود و یوارها و معا برعموسی در شرایط کنونی عمدتاً با حمایت سلحخانهو برنامہ ریزیهایی در تیقتر - مثلا در تمهایی با حمایت موتوری سوار مسلح - قابل پیشبرد است (که مواردی از آن در مورد پخش اشاره شد)

در پایان لازم به تاکید است که رفقا بعد از اتمام هر وظیفه خود باید در اسرع وقت به تهیه گزارشی از شیوه توزیع، شمار نویسی و... مراحل مختلف آن، واکنش توده ها (تا آن حد که متوجه شده اند) تجارب خود، مشکلاتی که با آن برخورد مانده اند، بهر آزند و آنرا به طریق ممکن برای سازمان ارسال دارند. تنها از این طریق است که سازمان قادر خواهد بود با جمع بندی تجارب رفقا و انتقال آنها، باعث ارتقا و رشد رفقا گردد.

* * * * *

رفقا! با مطالعه و بررسی دقیق تجارب جمع بندی شده در این مقاله هر یک از شما قادر خواهید بود در روابطها وضعیت مشخص خود را ارزیابی کنید و در خدمت امر تبلیغ برای توده ها قرار دهید. در این راه تمامی خلایق و ابتکار خود را که ویژه هر کمونیست است بکار بندید، مسکاد را پس راه اشتباهاتی خواهید کرد اما هر اسی بدل راه - ند هید تنها با تجربه عملی و جمع بندی آن قادرید سطح عمل خود را ارتقا دهید. اینک سرنوشت انقلاب به نیروی یک یک شما بستگی دارد، اینک انقلاب که مورد یورش همه جانپهارد و گاه ضد انقلاب قرار گرفته است توان هر یک از شما بعد از فرا میخواند. آستینها را بالا زنید. گمربند هارا محکم کنید و کاری مد اوم و پیشبرد رجعت تبلیغ اهداف و آرمانهای سازمان، در جهت بریدن اید هه های انقلابی به میان توده ها سامان دهید.

با ایمان به پیروزی راهمان

پایان گفتار

رفقای مبلغ! اینک میدانیم چگونه تبلیغ کنیم، چگونه متن بنویسیم، چگونه در میان جهکسانی آنرا توزیع کنیم از ضروریات امر تبلیغ است اما بیسه تنهایی کافی نیست. نکته راهمستی که قادر است پیشبرد امر تبلیغ از تنوی هر مبلغ را مادیت بخشد و در رتد اوم خود حرکت برانگیزد شناخت راستا

و هدف تبلیغ در مراحل مختلف جنبش است. مبلغی که طبعاً تمسک به تمامی شیوه های تبلیغ، هدف مشخص و معینی را در فعالیت خود مد نظر ندارد هیچگاه قادر نیست از ابزار پرند های که در دست دارد بخوبی سود برد. مبلغ باید بداند در چه جهت و با چه هدفی تبلیغ میکند.

زمانی که توده ها هنوز بر رژیم تودم داشتند و طبقه عمدتاً پیشرو سازمان دادن افشاگریهای همخانیم سیاسی و هدف عمدتاً پیشرو سلب تودم بود همان نسبت بر رژیم بود از همین رو تبلیغ در این مقطع، همچنانکه در رژیم مرکز ثقل پرورش سیاسی خلق بود و جنبه عملگر آگاهانه تبلیغ بر جنبه سازماندهی آن مسلط بود. اکنون با سلب تودم توده ها از رژیم و توسعه پیش از پیش اعتراضات و مبارزات توده های، سازمان دادن اعتراضات سیاسی سراسری و قیام سلحخانه توده های وظیفه عمدتاً پیشرو است در این شرایط سازماندهی مبارزات توده های مرکز ثقل پرورش سیاسی خلق است. اگر در مقاطع قبل هدف عمدتاً تبلیغ کار آگاهانه بود اکنون هدف در راستای عمدتاً تبلیغ امر سازماندهی است. مبلغین که در این مرحله هنوز وجه عمدتاً حرکات تبلیغی شان افشاگری است مرحله ای از جنبش عقب ماند مانده اند و نقش پیشرو را درک نکردند. اکنون مبلغ باید تمامی توان خود را در جهت توضیح و اشاعه مفاهیم دقیق و مشخص اشکال مختلف سازماندهی

توده های قرار داد همگام به گام راه متشکل شدن و سازمان یافتن را در جریان عمل مبارزاتی به خلق بیاورد. اکنون مبلغ در هر عملگر تبلیغی خود باید به این ساله بیندیشد که عملش بطور مشخص تا چه حد در خدمت سازماندهی خلق و تشکیل و توسعه کمیته های مخفی است.

صحت های عام از متشکل شدن، از کمیته های مخفی، از اعتصاب سراسری و از قیام سلحخانه و غیره در شرایطی که خلق خود عملاً میسرود تا آنها را تدارک ببینند و در شرایطی که خلق مبارزه میکنند و در هر گام نیازمند رهنمود های مشخص و عملی است در برابر ساختگی و وظایف پیشرو نیست. در واقع آگاه سیاسی بخشن پیشرو و خود را در توانایی آن در سازماندهی و شکل متحلی میسازد (کلیات آثار لینین - جلد ۹). توانایی مبلغین نیز بخصوص اکنون باید دیکر تودم توده ها بر رژیم مانع شکل آنها نیست باید در خدمت سازماندهی و تشکیل خلق یعنی در خدمت پیشبرد امر کمیته های مخفی قرار گیرد و این ممکن نیست مگر آنکه تبلیغ در محدود معین،

نهاد معین، جمع معین و محل معین بصورتی مستمر صورت گیرد. زیرا سازماندهی خلق امری

همگانی و با اصطلاح بی رویه نیست. سلولهای اولیه سازماندهی هر قشر از خلق ضرورتاً باید بر واحد معینی از جامعه استوار باشد از این رو مست که در شرایط فعلی تبلیغ محلی ضرورتی در وجدان

می یابد. برای آنکه امر تبلیغ در خدمت سازماندهی مبارزات توده های قرار گیرد و مبارزات در جریان توده ها را سازماندهی باید محلی باشد. یعنی اولاً در بخش معینی از جامعه (نهاد معین)

سازمان یابد، ثانیاً مبارزات و اعتراضات مشخص

مردم آن نهاد را بقیه: صفحه ۱۳



خطاب

بقيه از صفحه ۱۲

سنت و سوی انقلابی در هد و ثالثا

سنترباشد . میکوشیم با مثالهایی این امر را روشن کنیم . هسته متشکلی از رفقای موتور سوار که در هفته پانزدهم . . . اعداد اعلامیه‌هایی با مضمون عام را در محلات متفاوت توزیع میکنند ، هر چند تیراژی بالا را دارند ، اما از آنرو که توزیعشان محدود و معینی را در انبساط از طرفی اعلامیه‌های انسان نمیتواند از حد و دگرگونی فراتر برود و به مسائل مشخص توده‌های یک نهاد معین اجتماعی محدود میگردد ، از طرف دیگر کارشان به علت نداشتن محدود و معین قادر نیست از استمرار برخوردار باشد ، در نتیجه حتی نقش آگاهانه اعلامیه توزیع شده نیز به علت عدم تداوم به امری ناچیز بدل میشود . این شکل از عمل هیچگاه در پی خود سازمانی مشخص توده‌ها و عمل مبارزاتی را نخواهد آورد . کمیته مخفی اعتمادی که در یک کارخانه مشخص به توزیع اعلامیه میرود از ماهنوز محور اعلامیه‌های خود را افشاکاری از مدبر ، انجمن اسلامی ، وزارت کار و حتی رژیم بر می‌گزیند ، هر چند به علت حرکت در محدود های مشخص در اثر استمرار میتواند حضور خود را نشان دهد اما از آنرو که در مرحله مبارزاتی کارگران عقب مانده است ، از آنرو که هیچ پاسخ مشخصی به امر سازماندهی مبارزات کارگران و شکل تشکیل آنان جهت پیشبرد مبارزه نمی‌دهد هیچگاه قادر نیست نقش پیشرو را در کارخانه ایفا نماید ، باز هم ، علیرغم وجود کمیته مخفی ، علیرغم بخش اعلامیه و تراکت ، حرکت کارگران بصورت خود انگیخته و بدون حاکمیت عنصر آگاه ایران تداوم می‌یابد . در این روش شکل از عمل بخوبی مشخص است که چگونه عدم حرکت در نهادی معین و یا تشخیص غلط محور تبلیغ قادر است نیروی پیشرو را به هرزبرد . در مورد لزوم استمرار امر تبلیغ نیز نیازی به توضیح چند آن نیست .

سه شرط مطرح شده در شرایط کنونی قادر است بر خرد و کاری مبلغین غلبه نماید . متاسفانه گزارشات متعدد می‌گواهد عملکرد تبلیغی رفقا میرسد در وجه غالب موبد آنست که رفقا در سازمان در آن امر تبلیغ هیچ محدودیت و جهت معینی ندارند . در هر کجا پیش آید ! در هر زمان که بتوانند ! تبلیغ میکنند یک روز رشوش ، روز دیگر در جاده مسأوه ، روز بعد در نیروی هوایی ، یکروز بخش اعلامیه در مقابل کارخانجات ، یکروز در اتوبوس واحد و روز بعد جلوی مدرسه . در این میان چه بسا چندین گروه تبلیغ بدون اطلاع از فعالیت یکدیگر در یک محل اعلامیه پخش کنند و از آنرو که مکان مورد تبلیغ متناوباً تغییر میکند استمراری نیز بوجود نمی‌آید و بین متون پخش شده در یک محل و همچنین بین این متون وسائل مشخص مردم آن نهاد معین ارتباطی پیدا نمیشود . به همین علت ، شاهدیم با وجود یکرفقا غالب اثری خود را صادر قانده صرف تبلیغ میکنند اما بازتاب تبلیغ در سطح جامعه بسیار ضعیف است . بخصوص اینکه کما زمانه‌ها محور امر تبلیغ گشته است ضعف تبلیغ محلی بیش از پیش محسوس می‌باشد . در واقع مبلغ با پیشبرد امر تبلیغ بدو انقلاب را در میان خلق می‌افشانند

طبیعی است اگر این بذر را نه در مکان مشخص بلکه در هوا پرتاب کند و اگر آنرا بصورت متناوب آب نهد هد نمیتواند محصولی برگیرد . رفقا ! نمیتوان انقلاب را سا زمانه در اد مکرانکه در وجه اول بتوان مبارزات توده‌ها در هر نهاد معین را سا زمانه در اد ، نمیتوان خلق را آموزش سیاسی را در مکرانکه آنها را در نهاد های معین اجتماعی که قرار دارند آموزش داد و نمیتوان کارکرد مشخص سا زمانه‌ها در شرایط کنونی را بر دوش امر تبلیغ نهاد مکرانکه تبلیغ را در نهاد های معین سازمان داد . از این رو در شرایط کنونی که تشکیل توسعه کمیته‌های مخفی مهمترین وظیفه پیشرو است تبلیغ نیز باید در خد مت این کمیته‌ها قرار گیرد و هر گروه ، محفل ، هسته هوادار و هر تجمع دیگر از هواداران سنگ بنای فعالیت خود را بر پایه یک نهاد معین اجتماعی (مدرسه ، کارخانه ، روستا ، محله ، اداره ، پادگان و . . .) استوار ساخته تبلیغی مستمر ، مداوم و مشخص را حول اشکال مبارزاتی توده‌ها و یا آن نهاد متمرکز کند و در این راستا تمامی ابزار تبلیغی خود را چون بیانیه های کمیته‌های مخفی ، بیانیه‌های با امضاء هواداران ، شمار نویسی و . . . که ما به تفصیل در مباحث خطاب به مبلغین توضیح دادیم در خدمت پیشبرد امر سازماندهی کمیته‌های مخفی بکار گیرد .

نتیجه بگیریم ، تمامی رفقا که امکان تشکیل مبارزاتی را دارند بحثا به یک وظیفه انقلابی باید در درجه اول محدود و معینی را برای سازمان دادن فعالیتها سیاسی تبلیغی خود برگزینند و بدین طریق جلوی هر گونه پراکنده کاری را سد نمایند سپس در روند پیشبرد وظایف خود چنانچه از حرکت تشکیل مبارزاتی دیگری در آن محدود و مطلع شوند وظایف خود را با آن شکل هماهنگ سازند و در صورت امکان در اشکال متفاوت تجمع های هوادار سازمان و یا کمیته‌های مخفی ادغام شوند بدین ترتیب عملکرد سازمان را در آن محدود و خاص بشکل متمرکز پیش برد تمامی فعالیتها را برانگیزد و تحت مرکزیتی واحد قرار دهند . تنها در این صورت است که سا زمانه قادر خواهد شد با توزیع منظم ارگان فعالیت تمامی گروهها و هسته‌های هوادار در نهاد های مختلف اجتماعی هماهنگ گردد سا زمانه دهد . تنها در این صورت است که تمامی خلق زیر پوشش تبلیغ انقلابی قرار خواهد گرفت و تبلیغ در خدمت امر سازماندهی مبارزات توده‌ها ، سا زمانه‌ها می‌اعتماد سیاسی سر اسری و قیام مسلحانه توده‌ها می‌خواهد نشست میتوان تمام فعالیتها بمنظور هدایت توده‌ها به مرحله خاستن و برانداختن حکومت را اینطور خلاصه کرد : سا زمانه دادن ، سازمان دادن ، سازمان دادن . در واقع هدف

ترویج و تبلیغ سیاسی سازماندهی توده‌هاست . فقط با سازمان دادن آنها به هر نحو از انحصار شرایط تعلیم آنها و استحکام قدرت عظیم انقلاب فراهم میشود . . . بنا بر این تبلیغ سا زمانه‌ها و مبارزه باید دست بردارست هم به پیش روند . با این هدف مشترک که ارتش سیاسی توده‌ها را برای تدارک جهش تعیین کننده تشکیل داد و توسعه دهند (انقلاب و پیکار - مسائل اساسی و تکالیف اساسی ، لودوان ، تاکید از ما ست) . پایان

شکست . . .

بقیها رصفحه ۵

خواهد داشت و بصورت زنجیرهای پوردا اجرا در خواهد آمد! (کبهان - اول اسفند) و دست آخر جناب رفیق جانی متخصص غلو و دروغ در نمایشات جمعه اعلام داشت که: ملت ایران خود نیز راجعه ندند که همین فرد اباپس فرد اقبیه تمام بشود . . . الان عراق جنگ طلانی را نمیتواند تحمل کند! (کبهان ۷ اسفند) غیبا باین وقاحت و بیشری که حرفها و وعده بود و عهد های چند روز قبل خود را نیز، سردمداران جنایتکار رژیم به این راحتی تغییر میدهند و بروی مبارک هم نمی آورند. اما ملت مبارز ایران بی مهری که رژیم از روی استیصال به چنین حرفهای ضد و نقیضی متوسل میشود، نفرت مردم را در مقابل او امیختگی میکنند پس عهد ما تمام سریع جنگ و پیروز می آید. اما وقتش شکست فاجعه مخوفتر میخس از پیروزی در جنگ طلانی کبهان می آید. اما اینهمه مسایستهای جنایتکاران رژیم هر بار خیل عظیمی از نوجوانان - هر چند ناآگاه - مهین را بگام مرگ میکشد و گذشته از جبران ناپذیری این غایبات انسانی، خود رژیم را نیز در رتشتنا قرار میدهد.

رژیم جمهوری اسلامی که بدلیل از دست دادن بخش وسیعی از نیرو - هایش در طول جنگ و از دست رفتن وسیع پایگاهش در طول حاکمیت ننگین چهار ساله، تا کمبود نیروی انسانی مواجه بود است، تاکنون به تاکتیکهای مختلفی برای مقابله با این کمبود متوسل شده است از همان ابتدای جنگ، هرگونه حقوق اجتماعی از جمله حق شغل، حق اقامت تحصیل، حتی تحویل پایان نامه تحصیلی موقوف به رفتن سرپای شد بود و یا تهدید و آرهاب جوانان منقضي خدمت راروانه جیبها همی ساختند اما از بدتی پیش يك برنامه تبلیغاتی وسیع آغاز شده است و اینبار جنگال اختاپوس سر نوجوانان مدارس سایه افکنده است. خصی جلد طبق يك فتوای پیشروانه که در روزنامه های وابسته به رژیم بچاپ رسید اعلام کرد، شرکت در جنگ يك وظیفه شرعی است و جوانان میتوانند بدون رضایت خانواده مخوف در آن شرکت جویند. از سوی دیگر با شستشوی مغزی و تبلیغات عوامفریبانه و تحریک احساسات مذهبی نوجوانان حتی کودکان، آنان را به پنهانهای

مختلف از جمله اعزام به اردو و آموزش نظامی و غیره دست در ستروانه خود مقدم جیبها نمود و مشابه گرفت در توب پیروز و از بیسلیخ فرستاده از کشته ها پشتها ساخت و خانوادها - های بسیاری را در عزای گهای پسر شد نشان نشاند. اگر هیطر در اواخر جنگ جهانی دوم، زمانیکه کمبود نیرو مواجه شد بود نوجوانان و با تحریک احساسات مهینی و قومی فدای مطامع خود کرد، ضمنی احساسات مهینی را با مذهب در آمیخته است و عقب ماندترین نود مهارا با اینگونه ترغیبها به کشتن میدهد. اما اینک رژیم اینک مد ارس را در ف امتیال پلید خود قرار داد و با دست خود قابل بررسی است. از آنجا که رژیم، پاسداران تعلیم دید و مبار آزموه را برای سرکوب نیروهای انقلابی در شهرها تیار کرد، و روسوی جوانان کم سن و سال تا آگاه آورد است. چرا که این بخش از تودها باید لیل کمی من و تا شهر پذیری شد بد و همچنین خلا فکری حاکم بر مد ارس، جذ ب تبلیغات پوشالی رژیم میشوند و حال آنکه بدلیل وجود زمینرشد و شکوفائی در صورت تبلیغات نیروهای انقلابی میتوانست خود به نیروی عظیمی جهت مقابله با اهداف جنایتکاران رژیم بدل شوند.

این قربانیان ناآگاه هدف مطامع رژیم میشوند که بخاطر کسب هر مونس نظامی در منطقه خلیج فارس و دست یافتن به امتیازات آرمی منطقه، برگردن جیب امیرالیمتتها و انحصارات - تبلیغاتی و بخاطر مقابله با انقلاب و انحراف افکار عمومی از مسائل اساسی براد آمیختگی پای پیشا رد. تهرام افسار گسیخته، بیگاری، فقر و فلاکت کمبود ما بحتاج عمومی، آوارگی و بی خانمانی تودها و اختناق سیاه و گشتاردها هزار نیروی انسانی و س از بردن در سترنج تودها جیب انحصارات بزرگ تبلیغاتی همو همه از بدگاه رژیم برکات جنگ محسوب شده و تاکنون هرگونه اعتراضی به ناسیامانیهای موجود به پنهانگی جنگ ارتجاعي با گلوله، شکنجه و اعدا صهای دسته جمعی و زندانهای طولی العدت پاسخ داده شده است.

اماطی ۲/۵ سال جنگ، توده های وسیعی به ماهیت ارتجاعي جنگ و سیاستهای ضد خلقی رژیم پس بر ماند و دیگر فریب تبلیغات عوامفریبانه انبارانمی خوردند. اگر هنوز بخش ناآگاهی هستند که قربانی رژیم میشوند. باید هر چه بیشتر برای این بخش از تودها ماهیت جنگ و مطامع رژیم جمهوری اسلامی را از ارا آمیختگی بقیه رصفحه ۱۵

کمکهای مالی دریافت شده

مبلغ	کد
۵۰۰۰	سیامک اسدیان
۵۰۰۰	توکل اسدیان
۵۰۰۰	محسن مدبرشانه چی
۵۰۰۰	ضمیر (مهران)
۵۰۰۰	هادی
۵۰۰۰	نظام
۵۰۰۰	اسکندر صادقی نژاد
۵۰۰۰	جهانگیر قلعه میاند آب
۵۰۰۰	سعید سلطان پور
۵۰۰۰	اسیر پروین پویان
۵۰۰۰	سعید احمد زاده
۵۰۰۰	بهژن جزینی
۵۰۰۰	ن - ۵۸
۱۲۰۰	ب - ۸۹
۱۳۰۰	روستای نوال
۲۰۰۰	سعید - ۳۳۳
۱۶۰۰	مقامت
۵۰۰۰	بهژن
۵۰۰۰	ج - ۱۰
۲۵۰۰	رفیق کاظم
۲۰۰۰	ن - ۳۲
۲۰۰۰	د - ۱۰
۱۰۰۰	ن - ۴۲۵
۲۰۰۰	م - ۳
۱۵۰۰	الف - ۱۰
۵۰۰۰	ک - ۱۰۱
۱۰۰۰	۵۵۵
۱۰۰۰	س لنین ۱۳
۱۹۰۰	بدون کد
۷۰۰۰	شهید ای سجد سلیمان
۳۰۰۰	لنین س ۱۱۳
۲۰۰۰	ش - ۵۵۵
۲۰۰۰	۲۰
۱۵۰۰۰	بدون کد
۵۰۰۰	ن - ۲۸۳
۵۰۰۰	لیستی شامل کدهای زیر چندین ماه قبل و پیش از رسیدن به ابد لیل وقوع ضربهای، از بین رفتن و ماموق به در آنها نشر و تشدیدیم. با پیوزش از تاخیر در چاپ آنها، لیست مذکور را عنادرت منشاءیم.
۵۰۰	آموزگار
۱۵۰۰	معلم
۱۰۰۰۰	انقلاب
۸۰۰۰	—
۲۰۰۰۰	۳۰۲۲
۱۰۰۰۰	۵۵۵
۴۰۰۰	کارگر ۷۷۷
۵۰۰	۵۵۵
۵۰۰	ت - ۳۲۹
۵۰۰	م - لاله ۵۰۱
۵۰۰	سلطان پور ۴۰
۱۰۰۰	انقلاب ۱۱۱
۱۰۰۰	اولاد و ۱۵
۸۷۰۰	چوایزاده
۳۰۰	ک - ۱۰۰
۵۰۰۰	انقلاب
۲۸۰۰	لنین - س ۱۱۳



در تدارك ...

بقیه از صفحه ۸

نشان خود را بر انقلاب بکوبد ، قیام را رهبری کرد ، موقدرت سیاسی را با کسک متحدین خود قبضه کند ، باید همیشه و همیشه در دوران تدارك قیام درک - روشنی را از آنچه بکشد ، در قیام درهم کوبید ، و آنچه که باید بجای نظم قدیم استوار شود ، تبلیغ و ترویج کند . فقط با سازماندهی ، تبلیغ و ترویج وسیع شود ، با محوریت بر نامه عمل انقلابی ، پرولتاریا است که میتوان قطعاً اعلام کرد انقلاب بازگشت ناپذیر خواهد بود ، نظم کهن درهم کوبید میشود ، و توده ها تحت رهبری پرولتاریا قدم در راه نظم نوین خواهند گذاشت .

شکست ...

بقیه از صفحه ۱۴

افشا کرد . باید با تبلیغات آگاه گرانه از شرکت نوجوانان نا آگاه در تمامی سطوح شهر و روستا (بالاخره در سطح مدارس) جلوگیری بعمل آورد و با افشای ماهیت ضد انقلابی رژیم و اهداف پشت پرده آن بخصوص در مدارس نه تنها نوجوانان را از شرکت در جنگ بر حذر داشت ، بلکه بالعکس دانش آموزان انقلابی موظفند این نیروی بالقوه انقلاب را به نیروی بالفعل بدل سازند و مبارزه بر علیه رژیم جنایتکار اسلامی را سازماندهی دهند .

هسته های مقاومت در مدارس باید با تبلیغ بر علیه جنگ ارتجاعی و هدفهای جنایتکارانه رژیم آزادانه جنگ ارتجاعی ضمن طرح شعار صلح و مکرانیک ، نوبت نیز حمله را متوجه عاملین جنگ که در یکسوی آن رژیم حاکم بر ایران است بنمایند . رفقای دانش آموزی با بخش دست نویسن و نوشتن شعار ، دانش آموزان نا آگاه را که تنها تحت تاثیر تبلیغات ، به صلح میروند به این امر آگاه سازند . باید ترفندهای مسئولین امور تربیتی را که در برخی موارد به بیبانه بردن دانش آموزان به اردو ، آنان را با خط مقدم جبهه میفرستند افشا کرد . کشته های مقاومت مملات نیز موظفند با افشای سیاستهای ضد خلقی و جنایتکارانه رژیم ، خانواده ها را به این امر آگاه سازند تا مانع از اعزام فرزندانشان به جبهه ها و کشتارگاهها شوند .

لرزم در هم کوبید : ارگانهای سیدت طبقاتی بورژوازی ، آشکارا ساختند . اما از آنجا که هنوز این حس به ادراك نیانجامید بود و طبقه کارگر نیز در اس امور قرار نداشت ، توده ها بجای استقرار ارگانهای اقتدار توده های خود برویزانه های رژیم شاهنشاهی (و البته نه هنوز دولت بورژوازی) ، این امکان را ایجاد کردند که اتحاد بر سر منند قدرت قرار بگیرد ، آنها را خلق سلاح نماید و با هر حسی جنون آمیزی از وی انتقام بگیرد .

بورژوازی ، نقش واقعی دستگاه دولتی را در راه های زاو هام پنهان میسازد و به نقش ارگانهای سرکوب قهری که غربیترین ارگان سیاست طبقاتی است با پرده دفاع طبعی مستور میدارد . اما ، همواره ، وقتی که کشاکش بین وظیفه ملی و منافع طبقاتی بروز میکند ، حکومت دفاع ملی برای آنکه خود را به حکومت خیانت طبعی بدل کند ، حتی لحظهای درنگ را جایز نمیداند . مارکس در مورد این خدعه بورژوازی برای وجهه القه نشان داد که ارگانهای ارتش مینویسند : ۳ کپون در یک نوبت شده است که جنگ ملی افسانه های ساخته حکومت است تا جنگ طبقاتی را عقب بیاورد و همین که جنگ طبقاتی به جنگ داخلی تبدیل شد ، افسانه جنگ ملی از بین میروند . تسلط طبقاتی دیگر نمیتواند زیرا و نه فوراً ملی پوشیده بماند . حکومتها ی همه طبقاتی پرولتاریا متحدند (جنگ داخلی در فرانسه) .

بدون درک این نقش اساسی ارگانهای حکومتی ، توده ها نمیتوانند در قیام درخوردن ماشین دولتی بورژوازی تا به آخر پیش روند . بدون درک این نقش اساسی راه در جهت تغییر ارگانهای دولتی با همان مضمون لیکن در قالبی دیگر بسته نمیشود . در همین حال خرد کردن ارگانهای سرکوب به تنهایی پیروزی قطعی انقلاب را تضمین نمیکند ، توده ها باید به این نکته وقوف و آگاهی داشته باشند که اگر بجای ماشین خرد شده قدیمی ارگانهای اقتدار توده های را که در قیام شکل میگیرد (و در ارتباط با دوران تدارك قیام میباشد) به یک نهاد اجتماعی بدل نشود ، همه چیز از دست خواهد رفت .

قیام سلاحانوع مخصوصی از مبارزه سیاسی است که تابع قوانین مخصوصی میباشد و در آن باید به وقت تعمق نمود . آنچه که در قیام رخ میدهد ، انفجار متر ازم شد مبارزه طبقاتی است که بهیروزه در دوران تدارك قیام حدت و جهت می یابد . از این رو حزب پرولتاریا ، برای اینکه مهر و

بمعنوان طبقه ای مستقل و با منافع و مطالبات خاص خود قد علم نماید و با چهره حسی جنون آمیزی از او انتقام خواهد گرفت . به همین دلیل است که پس از هر انقلاب نیمه کاره که پرولتاریا در رأس امور قرار نداشت و ارگانهای سرکوب در آغوش نشده است ، ضد انقلاب اولین و طبقه خود را در خلق سلاح توده های باید . چنین میدانند تا زمانی که توده ها سلاح هستند نمیتوانند دستیار های آنان را با زین بگیرند و به نیروی نهائی آنها را در جهت کسب قدرت سیاسی مانع شود . پرولتاریا و توده ها در سلاح قدرتی در درون دولت بشمار میروند ، به این جهت ضد انقلاب بمجرد آنکه زبرای خود را محکم بباید نخستین هدف خود را خلق سلاح توده های مسلح قرار میدهد . ضد انقلاب نداند رسید هد که هر سلاحی بدست او علیه خلق مشروع است ولی هر نوع سلاحی در دست خلق بخودی خود جنایت شمرده نمیشود (مارکس جنگ داخلی در فرانسه) . در کسوف پارسی مسلح ، تنها مانع جدی بر سر راه توطئه ضد انقلابی بود . پس پارسی را میباید خلق سلاح کرد . در اینجا

پس از قیام بهمن ماه ، خلق مسلح ، تنها مانع جدی بر سر راه استقرار حکومت ارتجاعی بود ، پس میباید توده ها را خلق سلاح کرد . خصمی ، بلافاصله ، در دوین روز پیروزی قیام ، فتوای خلق سلاح را صادر کرد تا راه در جهت سرکوب انقلاب هموار شود . انقلاب با ضد انقلاب ، نهایتاً حد وسطی وجود ندارد ، اولی در خرد کردن ماشین دولتی و در قیام اول ارگانهای سرکوب قهری ، و دومی در خلق سلاح توده ها ، قطعیت می یابد .

ضد انقلاب ، همواره ، میکوشد نقش دستگاه دولتی را وارونه جلوه دهد و تصور دهد که اهمیت از منافع طبقاتی حاکم است تا مگر او را بماند . اما ، ما همیشه و علی الخصوص در دوران تدارك قیام ، باید پرده های فریبی را که بر پرده دستگاه دولتی کشانده اند ، کنار زد ، نقش پلیس ، ارتش ، دستگاههای بوروکراتیک و ایدئولوژیک دولت را برای توده ها آشکار کنیم . باید توده ها را به این نکته وقوف و آگاهی داد که دولت ارگان سیدت طبقاتی ، ارگان مستمری یک

طبقه طبقاتی است که این مستمری را با تعدیل تعداد مراتب طبقات ، قانونی و استوار میسازد و ارتش دائمی و پلیس آلت عمد هوزیر در دست قدرت حاکم است (لنین ، دولت و انقلاب) . در ۲۲ بهمن ماه توده ها با حمله به ارگانها ، کلانترها ، راه پوولتویزیون و ... بطور رهبری ، حس خود را نسبت به

عفو...

بقیه از صفحه ۵

و بیشتر بر روی صحنه می آید و بگر کمترین تردید برای اکثریت وسیعی از توده ها باقی نماند که مظلوم نمایی خمینی و اشک تسلیح او در روشنی پیش نیست و جز حرابه ای در بگر برای دوام حکومت سرمایه . سردمداران رژیم نیز خود در افشای چهره واقعی خویش و آنگاه که مواج سبکمن انقلاب برپیکر فرجوتشان میگوید ، ناچار به افشای نقش میشوند : از نمایش بازید پس لا جووری جلاد از خانه های تیمسی کشف شده و در کنار اطفال خرد سال انقلابیون گرفته تا تئاتر مضحک بنام "مرد گام عدل" اسلامی به بازیگری لا جووری و گیلانی ، تار و عوت های طنزی جناب رفسنجانی ضد امیرالهیست از نمایشات جمعه از سرمایه داران و فراریان و... . تا نطق و خطابه خمینی بر منبر حماران ، همه و همه خود افشاگر رژیم است . نیروی انقلاب حتی ضد انقلاب را در افشای چهره خویش بکار می گمارد!

آری! اینبار خمینی آمده بود تا فرمان عفو و آزادی در زمان وقا جیحان مساواکی ها و دیگر عوامل سرسپرد رژیم گذشته را صادر کند ، براد امس رکوب انقلابیون تا کید ورزد و چهره خویشی را در پیشگاه توده ها عیان تر سازد . آمده بود تا ثابت کند ، ایننگام که فرمان تشکیل و تأسیس نهاد های ضد انقلابی را صادر میکنند ، نه در جهت حفظ و حراست انقلاب که برای سرکوب انقلاب ؛ ایننگام که سپاه و کمیته را مسلح مینمود ، نه برای کشتن ضد انقلاب که برای نشأ نفرتن قلب کارگران و زحمتکشان و هممخلفهای ایران ؛ ایننگام که به تمدن زدند آنها و خانه های امن مخوف افزون میکرد ، نه برای ساواکیها و عمال سیا و وابستگان رژیم شاه ، که برای فرزندان جان برکف و دلاور خلق بود . همین است . انقلابیونی که شاه را به ستوه آوردند و اکنون خمینی را به تب مرگ دچار ساخته اند .

خمینی میخواست فریاد زند که اگر هویدا و تاجی ها و تهرانی ها را اعدام کرد نه بخاطر نفرت از آنان ، بلکه بخاطر ترس از انقلاب بود و اگر امروز تهرانی جلاد و آرش در زخم بگورستان تاریخ سپرد میشد میبودند آنان را فصل اسلامی میداد و بخدمت میگرفت همچنانکه صد ها امثال آنها اهم اکنون بکار گمارد است . و هنوز زیر ایشان

دو تنه مبخارج میفرستد تا بگردند و به اسلام خدمت کنند و تنها یک شرط کافیت : نفرت از کمونیستها و دیگر انقلابیون .

رژیم شاه ، دلبر مردان و زنان خلق را بعنوان خرابکار به جوخه های اعدام سپرد و رژیم خمینی نیز ادامه دهنده همان سیاست است و اصرار عجیبی در استقامت مکرر از این کلمه (خرابکار) دارد . رژیم شاه در "آبمان" در زمان وقا جیحان بر امورد عفو طوگانه قرار میداد و رژیم خمینی همچون شاه به عفو آمانه آنان پرداخته این تفاوت که مزدوران و سرسپردگان رژیم شاه مطوری ها و شیخ الاسلام زاد هان نیز اینبار مشمول عفو میشوند . رژیم شاه توسط عوامل ساواک که تعلیم یافتگان سیا بودند ، انقلابیون را بشوهر های آمریکائی و اسرائیلی شکنجه میداد و امروز رژیم خمینی ضمن بهره گیری از همان شیوه ها ، متد های شکنجه قرون وسطائی و "اسلامی" را نیز بخدمت گرفته است .

اما اگر انقلابیون و مردم آگاه مبارز در مقابل رژیم شاه به توبه ننشستند و به "عفو طوگانه" ، نه! گفتند ، خون سرخشان را تقدیم انقلاب نمودند و حماسه آفرینان زند انهای سپاه شاه شدند ، آنان اسطوره مقاومت در مقابل رژیم جنایتکار خمینی نیز خواهند شد . امروز بی نیمه که چگونه مبارزان خلق طی چهار سال استقرار رژیم خون و وحشت ، مقاومت و سرسخت در راه ارمان والا ی خویش ، ضد انقلاب را برانورد آورد و عاصی گردانند . اگر مقاومت و مبارزه پایان رسیده بود صانعی مزدور انقلابیون را از غضب خمینی نمیترساندند که : زند انهای باید بد اندک که امام همچنان مظهر غضب (باری تعالی) است با اینکه "نمی شود ضد انقلاب را با مجازاتهای... عادی مجازات نمود" و یا گیلانی جلاد بانا امید ی اقرار نمیگرد که : "اینها (زند انهای سیاسی) بگدسته ای... هستند که از هیچگونه کار برای ضربزدن بدولت ابائی ند آرند. (کههان ۹ ، بهمن)

آری کمونیستها و سایر انقلابیون جان برکف ، شایب گرد مانند گفته از غضب شاه و ساواک و نواز غضب خمینی و ساواک و دیگر دستگاه های سرکوبش هراس بدل راه نداده اند . آنان به رژیم سرمایه داران نشان دادند که رزمشان بیکر و عزمشان جزم و خشمشان نسبت به نوکران سرمایه بی انتهاست و تا سرنگونی رژیم و برقراری حکومت

زحمتکشان انهای نخواهند نشست . پس چه باک اگر خمینی همچون شاه ، مبارزین و انقلابیون در بند را ، که محکم و استوار انقلاب راهمهای توده ها از درون زندان تداوم می بخشند ، به شدید ترین شکنجه ها و ابعاد امپراطور محکوم نماید . پس چه باک! اگر حاکمان سرمایه از وحشت طوفان خلق ، طوفان سرخ انقلاب ، سرنیزه هایشان را بر اثر سازند . بگذران این نمایندگان سرمایه ، به ازاد سازی افراد ی سپرد ازند که نه تنها ضرری برای جمهوری اسلامی ندارند ازند بلکه برای برآوردن امسال سرمایه داران نیز مفید خواهند بود . زیرا که متاع سرمایه داران باید بدست همین افراد به بازار آید!

اما ، کدامین شکنجه و اعدام میتواند مانع از قهر انقلابی توده ها گردد . کدامین کشتار و تازیانه میتواند ، خلق عاصی از فقر و فشار و برکین از سرمایه داران و استثمار را از حرکت در برامسرنگونی رژیم بازدارد و بگردد آنکه خون مبارزان و انقلابیون به گردش چرخهای عظیم انقلاب شتاب بیشتری میخشد .

پس آزادی زند انهای سیاسی انقلابی ، نه فرمان خمینی ، که فرمان خلق ، نه فرمان رژیم سرمایه داری ، که فرمان پرولتاریا و زحمتکشان ایران ، که متحقق خواهد شد . انسان که در قیام دیدیم ، و برای باری دیگر ، در زند انهای سرمایه بدست پرتوان توده ها گشود خواهد شد و رژیم در برابر اراده ایولا دین خلق ، برانسو خواهد افتاد .

این فرمان تاریخ است و اراده توده ها است که به اجراء خواهد آمد؛ اما اینبار بزرگترین خونین پرولتاریای قهرمان با سرود هائی بر لب ، رهائی فرزندان دلاور خلق از بند بند سپاه جاکهای رژیم ، رهائی همه کارگران و زحمتکشان از فقر و کسنگی ، از استثمار سرمایه . بگذارد مزدوران سرمایه به عفو شاهان نامردم دلخوش کنند ، مرگ آنان فرامیرسد .

در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید



جلسه ۲۷ فروردین ماه
تعمین نمود. اما پیش از برگزاری این
جلسه، هرج و مرج تشکیلاتی و
مناسبات محلی نتایج فاجعه انگیز
خود را به بار آورد. احمد خائن بر
خلاف دستورات صریح مرکز -
سازمان در ضمن تماس با خانوادہ اش
دستگیر میشود و بد نبال آن یاد ستگری
و شہادت تعدادی از اعضا، مسئولین
سازمان و اعضا، مرکزیت و ملاحظاتی
شدن بخش اعظم امکانات مالی، چاپ
و تراکات سازمان ضربه ای بسیار
سنگین به سازمان وارد آمد. ضربه
اسفند بهمانگری واقعیت بود که نبود
انسجام سیاسی ایدئولوژیک و
تشکیلاتی چگونه موجب ضربه پذیری
میکرد. پس از ضربات نیز این عناصر
بنای اخلاقی اگر داردند. آنها
خواستار تشکیل فراکسیون شدند -
طیروغ اینکه در کشور فراکسیون شدیدا
محکوم شد. بود. در این مقطع تمام
تلاش مرکزیت این بود که انشعاب
زود رسی صورت نگیرد اما در همین حال
در مقابل این خواست آنها قاطعانه
ایستاد و نظرات و اعمال آنها را در
سطح تشکیلات افشا کرد. و لازم
ع دفاع نمود. این حرکت نتایج -
شستی بد نبال داشت بطوریکه جز
عضوسا زمان کسی هوادار نظر ایشان
نیبود و این گرایش که دریافتی بود و بگر
جایگاه در درون سازمان ندارد در
تیر ماه طی یک اعلامیه جدائی خود را از
سازمان اعلام کرد. طبیعی است که
در این دوره یعنی از ضربات تا تیر ماه
نه تنها سازمان نتوانست در جهت
وظائف انقلابی خود گامهای اساسی
بردارد بلکه بدلیل وابست محلی
و ارتباطات غیر تشکیلاتی آنها امکان
بازسازی اصولی نیز نبود. پس از تیر
ماه سازمان چند حرکت مثبت انجام
داد (۱- اطلاعیه مبنی بر سلب
مسئولیت های آنها در سازمان و اقدام
لازم جهت پیشبرد کار مرکزیت).
۲- انتشار مجدد نشریه کارپس از
بازسازی این بخش و گزارش بینه
هواداران در مورد ضربات و انشعاب
این جریان ضد تشکیلاتی تروتسکیستی.
۳- تصمیم گیری قاطعانه بر روی مسائل
میرم تشکیلات و بازسازی بخشهای
از تشکیلات که ضربه خورد. و
ارزیابی وضعیت بخشهای مختلف
تشکیلات. ۴- تعیین زمان برگزاری
پلنوم و ارائه برنامه پلنوم ۵- شرکت
فعال در جنبش انقلابی خلق کرد
۶- حرکت در جهت انطباق
تشکیلات با اساسنامه ۷- توجه
بیشتر به تشکیلات خارج از کشور. پلنوم
اقدام رفقای مرکزیت مبنی بر سلب
مسئولیت از عناصر تروتسکیست و

پلنوم

بقیه از صفحه ۲

اقدام لازم جهت پیشبرد کار مرکزیت
در آن مقطع بحرانی، اقدامی بجای
گام انقلابی و انست. در زمینه
نارسانیهایی که در این دوره سازمان
با آن مواجه بود. است و بخشهای
مختلف اتحاد متفاوتی داشته است.
بخش کارگری سازمان و مسئولین این
بخش در این دوره نتوانستند فعالانه
وظائف خویش را در قبال جنبش به
انجام رسانند. در زمینه کمیته های
مخفی اغتصاب حرکت محسوس
صورت نگرفت و وظائف تبلیغی در این
بخش از حد تکثیر و توزیع نشریه کار و
برخی نوشته های دیگر اترت گرفت
کمیته کارگری شرکت فعال در مبارزه
طبقاتی نداشته است و در عمل بقای
منفعل را جایگزین بقا میزمنده کرده
است. پلنوم در بررسی وضعیت کمیته
کارگری به جمع بندی زیر رسید: این
کمیته نتوانسته است نقش و اهمیتی را که
باید در جنبش طبقه کارگر و هری عملی
مبارزه طبقاتی بر ولتا یاد داشته باشد
ایفا نماید. کمیته کارگری به بی عملی
مبتلا بود و چارخورد کاری شد. و به
مبارزه سیاسی بهای لازم را نداد. -
است و بعضی شرکت در مبارزه طبقاتی
ور هری عملی این مبارزه نباله روی
از سر حوادث برداخته است. در
عرضه تشکیلاتی از یک سازماندهی
منسجم و مستحکم بر ولتا بر خورد
نیبوده است. کمیته کارگری نتوانسته
است تئوری و تاکتیک انقلابی را جذب
و هضم و مرحله اجرا را آورد از اینرو
بعضی مبارزه با انحرافات و اشتباهات
این کمیته ضروریست که در عرضه های
تئوری و پراتیک اقدام بر عملی گردد:
۱- آموزش تشویک، آموزش برنامه و
تاکتیکهای سازمان، آموزش جزوه
هسته های سرخ و وظایف سوسیال
در مکر آنها یروس، چه باید کرد. ۲-
بر خورد انقادی کمیته نسبت به عملکرد
یکساله خود، مبارزه با خرد کاری و
دنباله روی از سر حوادث ۳- برقراری
یک ارتباط نزدیک با واحد های پایینی
و ارگانهای بالای ۶- تلفیق صحیح
کار عملی و مخفی ۷- ضرورت وحدت و
انسجام کمیته.

در بخش کمیته های مقاومت و جوخه
های رزمی، بد نبال ضربات بی در
بی در این بخش عمدتاً پس از تیر ماه
در جهت بازسازی و سازماندهی مجدد
حرکت کرده است و تاکنون فعالیتات
این بخش در مجموع منطبق با وظیفه

کنونی سازمان پیش رفته است. شاخه
کردستان در این دوره توانسته است
علاوه بر شرکت در مبارزات خلق کرد،
با انتشار خبرنامه ها و تکثیر مجدد نشریه
کار و همچنین اخیراً انتشار نشریه محلی
ریگای گیل و طائف خویش را با انجام
رسانده است. شاخه شمال بدلیل
اینکه پس از گذر مکی از عناصر وابسته به
جریان ضد تشکیلاتی تروتسکیستی
مسئول این بخش بود و بدلیل تاثیرات
مخرب این جریان، پس از ضربات
دست به یک سلسله اخلاقی هاد در
مناسبات سازمان زدند که مسئول این
اعمال کمیته شمال بود. است و تشکیلات
شمال در این نقشی نداشته است و -
ناآگاهانه جبری کمیته بوده است. حتی
چند جزوه که حاوی نقطه نظرات تحریکی
آنها بود بدون اجازه مسئول م. ۱۰ ع.
در سطح شاخه منتشر کردند. و امن
زدن بر روحیه اعتمادی و سرخوردگی
در تشکیلات از دیگر اعمال آنها بوده
است حتی پس از انشعاب جریان
تروتسکیست از سازمان در تیر ماه،
در سطح فعالیت تبلیغی نیز وظایف
خود را با انجام نرساند. پس از بررسی
و جمع بندی حرکت آنها، سازمان
مسئول جدیدی برای شاخه تعیین و بنا
مسئول گذشته شاخه بر خورد لازم و در
همین حال سازماندهی صورت گرفت. در
بخشها و مناطق دیگری که در حیطه
فعالیت سازمان قرار دارد جمع بندی
پلنوم بر تمرکز عمدتاً بر بخش کارگری
و سازماندهی و تشکیلات کارگران تصریح
دارد. و رهنمود پلنوم در رعایت
محوری ترین امر در زمینه تشکیلات
تلفیق درست کار عملی و مخفی بر اساس
رهنمود های کمیته و در نظر گرفتن
شرایط ویژه ایران است.

با توجه به مسائل تشکیلاتی و مشکلاتی
که طی این مدت سازمان با آن مواجه
بود. است روشن میگردد که تنها طری
ز و راه اخیر یعنی پس از تیر ماه تا کنون
سازمان نتوانسته است تا حدی بجای
گام بردارد و خود را برای شرکت در
مبارزه طبقاتی آماده سازد.

پلنوم در بحث پیرامون مسئله
سازماندهی به نکات زیر تاکید کرد:
سازماندهی باید ضمن اینک مسامحت
گیری حزبی داشته باشد، باید به
نیازهای دوران گذار به حزب پاس
مثبت دهد، با شرایط اختناق منطبق
باشد، با عیازهای دوران انقلابی
تطابق داشته باشد و همچنین بتوان
وظیفه سازمان همخوانی داشته
باشد و از چنان انعطافی برخوردار
باشد که در یک شرایط ویژه یعنی در
اوج گیری
بقیه از صفحه ۱۸

هرچه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

پروژوازی . . . بقیه از صفحه ۶

آشکارا ترزینینی راه رشد غیر سرمایه داری تحت رهبری پرولتاریا میباشد . چنین معتقد بود که کشورهای عقب ماندگار تحت رهبری پرولتاریا انقلاب نمایند قادرند بدون گذار از مرحله سرمایه داری به سوسیالیسم کامیابند . اما تزویزیونیستی خروشی ۳ عمل هرزومونی جهانی پرولتاریا را می پذیرد و مسئله رهبری پرولتاری در سطح ملی را نفی میکند اما نکته جالبتر اینکه وقتی روشیستی این ترزها در کشورهای عقب ماندگار بود ریخت ساخت نیمه فوئدال نیمه مستعمره نظیر الجزایر ویا کسب قدرت توسط خرده پروژوازی و گذار سریع آن سوی پروژوازی آشکار میشود آنها باریک گردیدند کشورها ساخت سرمایه داری وابسته وابسته ویا حاکمیت خرده پروژوازی - مرفه گها پروژوازی متوسط ساز شد - کرد موقدرت را بد آن سپرده است رویای سمت گیری سوسیالیستی را میجویند لبعلاوه چگونه میسبست خرده پروژوازی مرفه گها در رقابت نزدیک با پروژوازی قرار دارد سمت گیری سوسیالیستی نماید آیا این امر منسب فتنه وجودی خود این فتنه محسوب نمیشود ؟ و اما در مورد رقابتهای اقتصاد ی با غرب باید گفت که تجارب تاریخی تاکنون نشان داد که روابط نیروی وسایر کشورهای وارد و گما

سوسیالیستی کوچکترین تأثیری در وابستگی کشورهای تحت سلطه به سرمایه جهانی ندارد و یا حداقل اکثر تأثیری فوق العاده ناچیز غیر تعیین کننده داشته است . ما در کار شماره ۱۱۹ مورخ ۳۱ تیر ماه ۶۰ در یک مقاله تحلیلی به بررسی مناسبات اقتصاد ی وارد و گما سوسیالیستی با رژیم جمهوری اسلامی پرداخته و نوشته بودیم : « انتخاب چنین مواضع انحرافی در سیاست خارجی شوروی و برخی دیگر از کشورهای سوسیالیستی . . . نمود مشخصی برایش رویزونیستی حاکم بر احزاب آنهاست . و در این مقاله مجال بحث بیشتر را بپذیرد نیست و ما در اینجا مطلب را با اشاره به موضوعی که پروژوازی در مورد دستگیری سران حزب شوروی به پایان میبریم .

روزنامه پروژوازی ، ارگان حزب کمونیست شوروی در هفته گذشته ضمن تعریف و تمجید از سابقه مبارزات درخشان احزاب خائن شوروی و اظهار تأسف از دستگیری سران آن ، این مسئله را ناشی از قدرت گیری محافل مرتجع محافظه کار و پروژوازی طرفداران است . این در حالیکه گسسته و در مقابل سیاستهای فتنه در مکتب و کشتارهای دسته جمعی انقلابیون و شکنجه های وحشیانه رژیم علیه انقلابیون ایران همچنان سکوت

کرد ماست . پروژوازی در این مقاله از قدرت گیری روزافزون این محافظه کار سخن گفته است باز توقف فعالیتها رژیم در خدمت تودهای زحمتکش باید پرسید بواقع طی چهار سال حکومت جنایتکاران نمایان رژیم کدام اقدام آن در خدمت زحمتکشان بود که بتوان از توقف این اقدامات سخن گفت و تا زمانیکه پرسید این محافظه کار و پروژوازی طرفدار غرب چگونه بدین سرعت رشد می یابند و مواضع کلیدی را به گفته خود تحلیلگران شوروی قبضه میکنند . آیا این جریانات بناگاه و خلق الساعه سر از زمین بردارده اند ؟

باعتقاد ما این شیوه برخورد ناپایده گرفتن و اطمینان ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی و اپوزونیسم بکرات جریاناتی چون حزب خائن شوروی است ، ناپایده گرفتن تلاش خستگی ناپذیر و مبارزه صدها هزاران کمونیست و انقلابی در سرتاسر رژیم سرمایه داران و امپریالیست و در جهت برقراری حاکمیت کارگران و زحمتکشان ایران است . این یعنی نفی کوشش فدائیان برای توسعه جنبش انقلابی و مبارزه با انقلاب در هر کشور و حمایت . . . از این مبارزه و همین خدمت سردر تمام کشورهای (لنین) و این یعنی ناپایده رفتن ضرورت های انقلاب در ایران و نفی آشکارا ترناسیونالیسم پرولتاری از بدگاه مارکسیسم - لنینیسم .

انقلاب قرار دارند

رفقا ! پنجم اخیر سازمان و برخورد حدی و انتقاد ی که با مسائل و مشکلات سازمان صورت گرفت بطریق ستایش از قهرمانی ها و از خود گذشتگی ها و فدائیکاری بسیاری از رفقا در ویرانی که سازمان از سوی عناصر فرصت طلب از درون و از سوی رژیم جمهوری اسلامی از بیرون در معرض حمله و تهدید قرار گرفته بود ، با این وجود در راهی گذشت نسبت به ضعفها و کمبودها صورت گرفت نشان دهند مروحیه لنینی در درون سازمان ماست که از حیث و برخورد با نقاط ضعف خود باکسی ندارد ، دلیل قدرت و قوت ما در اینست که این نقاط ضعف را به بحث میگذریم و می آموزیم که بر این اشکالات فائق آئیم .

رفقا ! اکنون پس از یکسال از برگزاری کنگره ، ترمیم بخشهای ضربه خورده و مشکلات و در مس آموزش از - تجارب و اشکالات موجود با عزمی راسخ و با ایمانی خالص ناپذیر ، با تکیه بر استراتژی و تاشیکهای انقلابی

پنجم . . . بقیه از صفحه ۱۷

حیثش تودهای بتوانند وسیعترین اقشار خلق را رهبری نماید . پنجم وسیع مرکزیت منظور رفع هر گونه اجبار و برداشت نادرست از قطعنامه کنگره پیرامون برخورد با حزب توده اکثریت ضروری دید که به این بند قطعنامه صراحت بخشد . کنگره سازمان بر اساس محتوای طبقاتی احزاب و گروههای سوسیالیست فرمیست و نیز در نظر گرفتن این امر که حزب توده اکثریت در قبال هدف انقلاب چه نقشی بازی میکند بدستی گرایش طبقاتی آنها و نیز جایگاه آنها را در صف بندی سیاسی موجود تعیین نموده بد اما از آنجا که در قطعنامه گفته شده است که این احزاب و سازمانها اکنون از ضد انقلاب حاکم حمایت میکنند متابعت مورد این برداشت نادرست قرار گیرد که گویا در صف ضد انقلاب قرارند آنگون تصریح میشود که منظور قطعنامه اینست که حزب توده و اکثریت اکنون در صف ضد

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



پورسی اشکال . . .

بقیه از صفحه ۱

اعتراضی گزارش شده

بشکل اعتصاب بود ماست . رجوع به جلد اول (منتشره در کار ۱۶۱) نشان میدهد که از زمان همین اعتصابات در ۶ ماهه دوم سال ۶۰، بیشتر از ۶۰٪ اعتصابات اقتصادی و بقیه آنها عمدتاً شامل ترکیبی از خواستههای اقتصادی و سیاسی و تشاکی سیاسی بود مانند: در ۶ ماهه اول سال ۶۱، اگر چه مظاهر و نسبت اعتصابات با برخی خواستههای سیاسی اعتصابات با خواستههای اقتصادی و اقتصاد - سیاسی، تغییر فراوانی مشاهده نمیشود، لیکن در وقت و جستجوی بیشتر در جزئیات این اعتصابات نتایج ارزشمند یرابدست میدهد: اینکه در ۶ ماهه اول سال ۶۱ به نسبت ۶ ماهه قبل از آن، خواستههای اقتصادی کارگران بر مراتب بیشتر در حاکمیت تهاجمی بخود میگیرند در حالی که تا پیش از این در دوره، نسبت اعتصابات اقتصادی تهاجمی به تهاجمی رتسم بزرگتری بر ایشان میداد. به عبارت دیگر رژیم خوارستبا و اعتصابات اقتصادی مربوطه، در شش ماهه اول سال ۶۱ در مقایسه با قبل با درصد بیشتری از اعتصابات اقتصادی بر میخوریم که در طی آنها، کارگران خواهان دستبندی بیک خواست اقتصادی و نه صرفاً جلوگیری از کاهش شرایط قبلی بود هاند (مثل تقاضا برای افزایش دستمزد در مقایسه با جلوگیری از کاهش آن . . .) هو چند که همچنان خواستههای تهاجمی به تهاجمی بیشتر است .

بطور کلی میتوان گفت که در سال ۶۱، سلاح اعتصاب بیشتر مورد استفاده قرار گرفته و خواستههای بیشتر جنبه تهاجمی بخود گرفته است . البته همچنان عمدتاً خواستههای کارگران و مضمون اعتصابات، جنبه اقتصادی دارد لیکن باید بخاطر در ایش که اینگونه اعتصابات از جنبه تدارک برای اعتصابات سیاسی آنی اهمیت فوق العاده ای دارند . بخصوص در شرایط در پیکتاتوری ایران فراوانی اشکال و مضمون مبارزات بسیار سریع میتواند صورت گیرد . یکی دیگر از عوامل مهم در بررسی چگونگی و تاسیل اعتصابات طول مدت اعتصابات است . متأسفانه اطلاعات ما در زمینه طول اعتصابات

رخداد و فوق العاده اندک است و به این ترتیب افکار مقایسه این دو دوره شش ماهه با ارزیابی دقیقتری و تداوم یا تزلزل واتی و کوتاه مدت بودن اعتصابات وجود ندارد . ولی کاملاً میتوان با اطمینان گفت که حد اکثر طول اعتصابات در این دوره به چند ساعت یا چند روز (کمتر از یک هفته) میرسد که اغلب با پیرش پاسداران سرمایه در هم شکسته شد هاند . اما نکته حاکم توجه اینست که مبارزات کارگران کارخانه ها طریغ نامیوستی و مواجبه با بی برنامه گی، نداشتن سازماندهی و رهبری سوسیالیست و مگر اتیک و انقلابی که اگر تریب به اتفاق موارد، و طریغ سرکوبهای مقطعی، پس از مدتی با زهم ادامه یافته است و در مواردی حتی در سطحی بالاتر .

با دآوری این نکته نیز در بررسی اعتصابات ضروری بنظر میرسد که در سال ۶۱ رژیم با بحرانیهای شدید از نظر اقتصادی بخصوص بلحاظ تهیه مواد اولیه کارخانجات از خارج در نتیجه نداشتن ارز کافی . . . مواجه بود و اقتصاد کشور رو به پیشروی را متحمل بود هاست و خیل بیگاران نسبت به سال ۶۰ بیشتر شده است . در چنین شرایطی رشد نسبی - هر چند نده چند ان قابل توجه مبارزات کارگری به نسبت ۶ ماهه دوم سال ۶۰ نشان از توان مبارزاتی، آگاهی و اتحاد بیشتر کارگران کارخانه ها و صنایع دارد .

در گزارشات واصله ضمیمه موارد زیادتری میخوریم که در یک کارخانه، اعتصاب صرفاً یک قسمت را شامل شد و تنها کارگران سایر کارخانه ها بلکه کارگران سایر قسمتهای همان کارخانه هم با اجزای بی خبر ماند هاند و با اطلاعات اندک در اشت هاند . مثلاً بعد از اخراج چند کارگر از راه رفیق در گزارش خود مینویسد: . . . آن پیوند میان کارگران و کارمندان که برای مبارزه لازم است در دست نیست، عملیات کسی از آنها از اخراج کارگران مطلع شده هاند . و اعتصاب راه آهن در مرداد ماه با وجود خواستههایی مانند انحلال انجمن اسلامی، افزایش دستمزد و بازگشت اخراجی هون، بنایان میسر شدند و آنکه مورد حمایت فعال کلیه کارگران قرار گرفته شد . وقتی از کارگری علت را میپرسیدند گفت: ما خبرند اشتیم . بهر حال ضعف سیستم تبلیغی و خبری در حرکات کارگری بخصوص در اعتصاب

کاملاً موثر است . این همه نشاندهنده نبود یا ضعف بیشتر و رهبری و سازماندهی مبارزات کارگری، بویژه اعتصابات است که مخصوصاً با توجه به زمینه مساعدی که در شرایط کنونی وجود دارد اگر اینگونه حرکت های اعتراضی کارگری بحال خود رها شوند و هدایت انقلابی نگردند، این امر میتواند ضربات جبران ناپذیری بر جنبش طبقاتی کارگران و رتبه و جنبش انقلابی ایران وارد آورد .

۵- مجازات مزدوران رژیم

سال ۶۱ بار شد عنصر قهر در مبارزات کارگران و زحمتکشان همراه است . اخراج و دستگیری های درسی، جاسوسی آشکارایی پر مزدوران - رژیم، حضور مستقیم نیروهای نظامی رژیم در مبارزات، بر سر فشار طاقت فرسای کاروندگی، تودها و اوبالا خصی کارگران را به واکنش متقابل برمی انگیزد و مجازات جاسوسان و عناصر ضد کارگر که در رسال ۶۰ در موارد معدودی (از جانب خود کارگران) اعمال میشد: از رسال ۶۱ به مراتب بیشتر میشود . کارگران، مزدوران و جاسوسان رژیم زاد و مواردی میشد تضروب میکنند در حالیکه از این مقطع به گزارش چند من مورد از ترور مزدوران نیز توسط خود کارگران برمی خوریم . در زمستان ۶۰ در مینوکرومی از کارگرها بسیجی که مسئول تقش کیف زنان بود، آبان ماه همان سال کارگران استاراکا بیت ناظمه قسمت را که جاسوسی میکرد و کارگران شوفاژکار، مدبر کارخانه اشدت کتک میزندند . در رسال ۶۱ در نومد بر عامل درد و آهنگ کارگر فالانژ و نیکی مدبر عامل، در راه آهن میهند من عضو انجمن اسلامی، در خاک سفید مزدوران اسلاموزند ارمی، در کشتار گاه هیئت مدبر سازشکار سندیگا، در رنگ سازی کارگر حزب اللهی که جاسوس مدبر بود . . . توسط کارگران مضروب میشوند . تهدید و هشدار به عوامل و مزدوران رژیم و تهیه لیست سیاه از آنها برای اینکه بعد از حسابشان را بر سندن، بعنوان روشی در مقابل عوامل رژیم و التیام توم دادن به آنها درمی آید .

ابعاد اعمال خشونت، ضرب و جرح عناصر ضد کارگر و کارگران حزب اللهی، رژیم را به عکس العمل وامیدارد و در تیرماه همین سال توکلی وزیر کار طی اطلاعیه ای که در اطلاعات چاپ رسیده اینگونه اعمال علیه کارگران حزب اللهی بقیه در صفحه ۲

در بررسی ابعاد مختلف این شکل مبارزه، سه نکته برجسته است: الف - تمایز افراد کمیور در ضرب و جرح قرار گرفته اند افراد ضد کارگر نبودند و سرکوب مبارزات نقش فعال و ویژه ای داشتند با عامل اخراج بودند یا در اخراج ولو در آن کارگران و احتمالاً دستگیر شدن آنها نقش داشتند. از همین رو در کلیه موارد حرکات سرور حمایت و تشویق کارگران دیگر قرار گرفته است. در ریزش از اخراج کارگر، کارگران مدبر عامل را پس از تکلیف مفصلی از کارخانه میروند. در همین کارخانه یکی از کارگران را با خاطر توهمین به پیشناز لو میبندند و باعث میشود که آن کارگر دستگیر شود. روز بعد کارگران، کارگر جاسوس را پس از تکلیف مفصلی از کارخانه میروند میکنند. در گزارش در مورد ترور آراست - حزب اللهی ضد کارگر کارخانه جنرال آمد فاست: یکی از کارگران همگی او را از دیوار کندی و بار کرد. کارگر آن در ترور او را تا بند میگردند و میگویند که هر کس ضد کارگر باشد باید مثل او سرور شود.

بوردی اشکال . . .

بقا: صفحه ۱۹

بخازات و حتی در مواردی ترور عناصر ضد کارگر در میان کارگران بعنوان - شکلی از مبارزه با ترور فتنه میشود. عدم حضور نیروهای پیشرو و آگاه مخصوص انقلابیون کمونیست که میبایستی به اینگونه اعمال سخت و سودا در موطنها را در جهت مبارزاتی صحیح در خدمت اعتصاب عمومی سیاسی و تدارک قیام کانالیزه نمایند، اینگونه حرکات پتدریج به هر زفته و میتوانستند به آنارشیسم و روش های خرد میوزوانی مبارزه تبدیل گردند و نیروی کارگران را تضعیف نمایند. مثلاً اینگونه پسر عاملها میبندند بی انجمنی که به آنها گوناگون در سرکوب و توضیح حقوق کارگران نقش دارند مضر و شونده، اگر چه میتوانند در خدمت شکستین روحیه مایس و تدارک قیامی تود کارگران قرار گیرند لیکن اگر خودی خود رهبر شود یا بهر راه این آگاه نباشد که صرفاً و تنها با قیام دلی خالی کردن و کتف زدن این عناصر هم کاری از پیش نمرود و آن آقای مدبر عاملی که از دفتر بیرون نمی آید یا زبانه استمار و سرکوب آنها به آنها گوناگون ادامه خواهد داد، حتی ممکن است بضر خود بدل گردد و پسر از مدتی که توده کارگران همچنان خود را در وضعیت سابق می بینند به سر خوردگی و بیاس بیشتری دچار گردند. به همین منظور لازمست تا بخصوص عناصر پیشرو و مبارز کمونیست در عین شرکت در مبارزات کارگران، به هنگام بیگاری عنصر قهر در این مبارزات - آنجا که اینکام در خدمت مبارزات کارگران قرار میگیرد - آنرا سخت و سودا در موطنش کنند. کارگران آموزشهای لازم را در مبارزات قهر در مبارزات خود، برای مبارزه با اعتصاب شکنان، برای تدارک نظامی قیام میبندند و تشکیلهای لازم را از میان دو جریان همین مبارزات ایجاد کنند که اگر اینکار در جریان همین حرکات شکل نگردد و صورت نگیرد، به هنگام وقوع قیام و بیگاری پسر خواهد بود.

اشکال سرکوب

سرما به در آن و دولت حامی آنها

در یکسال گذشته ما در روش (باختت وضع) برای سرکوب کارگران استفاده کردیم، اخراج و دستگیری، تهدید به اخراج و دستگیری، ایجاد تفرقه و برانگیزی و آوردن پاسداری درون - کار خاتجات - در روش ما به دو - سال ۶۰ اخراج و دستگیری و شکل صند به اخراج و دستگیری و شکل صند به سرکوب بود اما در مقطع اخیر به اکثرش مبارزات این صلاح سرکوب به اندازه مقاطع قبل کارائی ندارد. مقاومت و ایستادگی کارگران در مقابل اخراج و دستگیری افزایش یافته است و حمایت فعالانه آنها از همکاران اخراجی خود به کار فرمایان و مدبران آنها زنده شده به آسانی کسی را اخراج کنند از همین رو پیش از این به نیروهای نظامی متصل شده اند و با شیوه های مختلف میگویند بین آنها تفرقه انداخته آنان را برانگیزد سازند. کارگران مبارز از این قسمتها و مختلف تقسیم میکنند، رفتن کارگران به مساجد استراحت به قسمتهای دیگر انواع کرده اند حتی وقتی کارگران جای خود نهر را برای رفتن به قسمتهای دیگر بهانه میکنند قبول میکنند همان امتیازات را در واحدهای خود شان فراهم کنند، با کوچکترین بهانه کارگران مبارز را اخراج و جبا و آنها کارگران جدید است خدا م میکنند. ساعت به ۲ ساعت به قسمتها سر میزنند تا کسان را که با هم حرف میزنند تنبیه کنند حتی در پهنای از کارگران خواستند در رانکهای خارج از محل کارشان حقوق دریافت کنند تا تجمع جلوی یک بانک ایجاد شود. انتقال کارگران از قسمتی به قسمتهای دیگر در پهنی ادامه در اعتراض کارگران به این امر باعث شد که حتی بی تفاوتها هم بفهمند که این حرکت توطئه ای بر علیه منافه آنهاست. کارگران نیز در مقابل این توطئه ها ساکت ننشسته مقاومت میکنند و در مواردی ضد تاختیک میزنند بعنوان مثال در ریزشی آمد فاست کارگران میگویند حاضر نخواهند شد به جدید الا استخدامی ها (بسجی، جهادی و . . .) کاریاد بدهند و وجود آنها را خطری برای اخراج خود شان در مواقع اعتراض و اعتصاب میدانند. آگاه کردن کارگران به تکتک شیوه ها شی کسیر مانه در آن برای برانگیزی ساختن آنها با کمترین بهترین روش برای خنثی کردن این توطئه ها است. مادر شما، آینده به مقایسه کوتاه مبارزات کارگران با دیگر اقشار خلیق و جمع بندی مبارزات کارگران و زحمتکشان و نقش پیشرو و خواهم پرورده است.

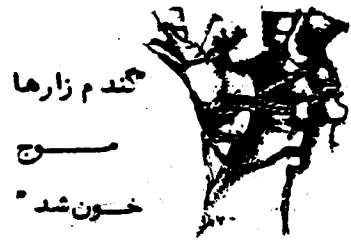
ب - مجازات این عناصر در سمت بخاطر نقش فعالی که در سرکوب کارگران داشته اند در شرایط شرکت و حرکت جمعی کارگران در اغلب موارد گزارش شده، در راهگشایی مبارزات کارگران تا شیره داشته است. در بهر ماه ۶۱ در بخشی کمین یکی از کارگران را به ارتباط مدبریت با چند کارگر در زنگ سازی در میبرد، به سبب حمایت آن کارگر از مدبریت، کارگران سرش میزنند و حسابی کتکش میزنند و چون این حرکت مورد پشتیبانی اکثر کارگران قرار میگیرد، حزب اللهی ها بوحشت افتادند. در ریزش از کتک خوردن مدبر، او عیض میشود و مدبر عامل جدید از ترس از دفتر بیرون نمی آید.

ج - کارگرانی که عامل حرکت هستند در روجه غالب غیر تشکیلاتی بود و از کارگران میانه میباشند که بصورت خود بخودی، آبی و بی برنامه حرکت میکنند و در موارد متعدد دی خود اخراجی بودند. از شرکت کارگران پیشرو و هدایت چنین حرکتی توسط پیشاهنگ انقلابی مورد گزارش نشده است. حرکات استمراری دارند و در هیچ موردی تداوم حرکت به ایجاد تشکیلهای نظامی نیانجامیده است.

باید توجه کرد، در شرایطی که



بقیه از صفحه ۲۲



گندم زارها
سوج
خون شد

باشید، پس براهیمانی، ۱۹ بهمن در گنبد بوش بر دوزخ و کورگان پخون کشید، گشت ازهای جمعی بوجند؛ آشد ارطیه خلق رزمنده موغوم ترکمن را آنهم با تانک و توپهای ۱۰۶ میلی متری سا زمان در دست آورد های شهید آرا به ز ضرب گرفت، جتاد را ویران کرد و با انتقامی در خمپانه از خلق ترکمن روی آورد و فرزند آن دلاور آنرا بی پس از د پلری به جوخه های اعدام سپرد و مدتی وقفه در مبارزه خلق ترکمن را تحصیل نمود.

اینک سه سال از آن حماسه خلق ترکمن، از آن کشتار و نشان رزمیم می گذرد. هر چند که رژیم شوراهای خلق را بر جبهه و شوراهای مزدور و اسلامی بجای آنها نشانند، هر چند از کشتههای خلق پشتصا خت لیکن مبارزه با دشمنان و مصافقت و خلق ترکمن با کولمباری از تجربه انقلابی بردوش به تدبیر از آن شکست موقت سر بیرون می آورد. صدها توماج، صدها مختوم، واحدی و جرجانی به مبارزه روی می آورند و جای هریران خویش را پر میکنند. اید و شور و ولشت شورائی هنوز زنده است و زنده خواهد ماند و پیرانه های این رژیم شکوفه خواهد شد خلق رزمنده ترکمن بهر آمد پسر خلقهای ایران بهر راه کارگران و زحمتکشان، طومار ننگین رژیم را در ره خواهند پیچید و آنگاه فریاد خواهند زد:

خلق ترکمن، خلق ترکمن طوفان میکنند در دشت و دمن خلق ترکمن، خلق ترکمن جان را میدهد در راه وطن گندم زارها سوج خون شد آسمان آبی گشون شد زمین مال اوست کمی کار دش...

فدائی کبیر

بقیه از صفحه ۲۲

است که اشکالات وانحرافات زدود شد موثور بها در محک از ما پیش قرار گیرد. فدائیان خلق طی یازده سال مبارزه خونین با خود و بیاد رس آموزی از تجارب ارزنده کبیر فقای شهید و هر روز به ستاورد های نوینی در امر مبارزه طبقاتی دست می یابند. واقعت اینست که باصق با بی مبارزه طبقاتی و گسترش پیوند تودهای، سازماندهی نوین متاسب با وضعیت موجود ضرورت می یابد و ستیابی به این مهم نه تنها درک همه جانبه واقعات موجود را می طلبد بلکه چگونگی تغییر

اخبار جنبش

بقیه از صفحه ۲۲

است. این مزدور بدلیل اهمیتی که برای رژیم داشت از طرف سپاه پاسداران کردستان و نقشه برای فراوری طرح ریزی شد بود. که با هوشتاری به شمرگان خشتی شد.

برای اطلاع مردم مبارز و قهرمان کردستان، ایران و سراسر جهان از جنایات مزدوران رژیم، قسمتی از بازجویی این مزدور را که به خط خود

واقعت و حرکت در جهت حقیقت یعنی آنچه میز که مورد نظر انقلاب و روند مبارزه طبقاتی است اهمیت ویژه ای برخوردار است و این امر نیز مستلزم تعقیب بالکلیکی و نه مکانیکی اشتباهات گذشته است. کارنامه ۱۱ ساله ما زمان چنین روزی را نشان می دهد. روند تکاملی سازمان از جنبه تئوری و پراکتیک محصول تلاش در هماهنگی و رفیق فدائی شهید است که چه در رژیم جنایتکار شاه و چه در رژیم شبه فاشیست جمهوری اسلامی در شکنجهگاهها، در جوخه های اعدام و در راههای کارگران و زحمتکشان جان باختند. یاد همیشه شهدای خلق گرامسی باد.

نگاشته است به چاپ می رسانیم. از تلمی نیروهای انقلابی در مکررات و ضد امپریالیست سراسر جهان میخواهیم که به این سند گویا رزم توجه منور و با افشار هر چه بیشتر جهره کریم جمهوری اسلامی در سطح بین المللی، فشارهای مختلف را برای باز آری از اینگونه اعمال جنایتکارانه رژیم وارد نمایند.

قسمتهایی از متن اعترافات محمد طی محمدی که اصل سند در ریگسای گنبد شماره ۱ بچاپ رسیده است:

س - بطور کامل خود را معرفی کن
ج - نام، محمد علی نام خانوادگی محمدی نام پدر محمد حسن عضو حزب جمهوری اسلامی با بل از سال ۷۰ در بخش تبلیغات و تحقیقات و در کردستان مسئول گروهان پایگاه حر - سقز
س - قبل از اعزام به کردستان در کجا و با چه عنوانی فعالیت میکردی؟
ج - در پایک تبلیغات و در واحد بسیج فعالیت میکردم.
س - در دستگیری و شکنجه نیروهای انقلابی چه نقشی داشتی؟
ج - توسط جاسوسها محل خانه تهمی را کشف میکردم برای نمونه در شهر پایک و یکی در د سلطان محمد طاهر آنها را دستگیر و شکنجه انداخت و از ارتقا و به سپاه تحویل میدادیم کلا به محاصره چهار خانه تهمی شرکت داشتیم و تا مجاهدین و و تا در پیکار و و تا ختر که با آنها تجاوز کردیم چهار تا سرکبه آنها نیز تجاوز کردیم.
س - آیا شخصاً در جوخه های اعدام نیروهای انقلابی شرکت داشتی؟
ج - بله در تاریخ تابستان ۶۹ چهار نفر در قصر پایک و نفر د ختر در هواد اریبگار چهار تا بقیه مال مجاهدین.
س - چمدت است و با چه عنوانی در کردستان فعالیت میکنی؟
ج - از تاریخ ۶۰/۱۱/۱۰ بعنوان بسیج و بعد از مدتی مسئول گروهان در شهر سقز.
س - طی این مدت که در کردستان بودی چه نقشی در سرکوب خلق کردی؟
ج - در حمله به روستاها که مسئول گروهان بودم با پیشمرگان درگیری داشتم. مثلاً در چهار عملیات ۱ - خورخوره ۲ - کینه ۳ - پکسی از آبادی می یابند در شهر خانین و با پایک ۴ - با وجود جمعیت کمتری شرکت داشتم و مسئول گروهان بودم.

حق ملل در تعیین سرنوشت خویش حق مسلم آنهاست



گرامی باد خاطره فدائی کبیر
سعید احمد زاده
عضو کادر مرکزی سازمان
و رزمنده فدائی



در محرکاه خونین دهم و یازدهم اسفند ماه ۵۰ قلب تپنده - (رزمنده) فدائی آماج گلوله های درخیمان رژیم شاه قرار گرفت و در حالیکه سرور و رهائی کارگران و زحمتکشان را بر لب داشتند ، نوید پیروی خلق را میدادند فقط سعید و مجید احمد زاده - و عباس و اسد الکفایتی ، حمید توکتر سعید آریان ، غلام شاگویی ، بهمن آژنگ ، سعید یساولی ، عبد الکرم حاجیان ، پس از شهید ای ساجکل از جمله اولین شهید ای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بودند در میان این رفقا رفیق سعید احمد زاده و رفیق عباس مفتاحی از اعضای کادر مرکزی سازمان بودند که با و یکس تلاشی را در جهت بنیانگذاری سازمان بعمل آوردند . رفیق سعید یکی از

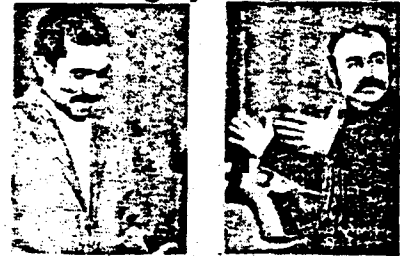
گرامی باد خاطره چهار رزمنده مخلص
ترکمن ، چهار فدائی خلق
توماج ، مقتوم ، واحدی و جرجانی
گندم زارها موج خون شد



شوریهین های پر جستجو سازمان بود که تئوری مبارزه مسلحانه را در جزوه ای تحت عنوان مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک تدوین نمود . گرچه تحلیل رفیق از ساخت جامعه و حاکمیت کاملاً اصولی بود اما بدلیل اینکه رفیق معتقد بر وضعیت انقلابی بود ، به مبارزه سیاسی عملیهای لازم را ننمود . این ضعف بعد ها در پروسه حرکت سازمان تصحیح گشت . این خود بیانگر این واقعیت بود که تنها در مبارزه انقلابی و شرکت عطا در مبارزه طبقاتی بقدر صفحه ۲۱

د فدائی خلق ، خسرو گل سرخی و کرامت دانشیان در صبح روز ۲۹ بهمن سال ۱۳۵۴ پس از تحمیل شکنجه های وحشیانه در زحیمان شاه مقاومت انقلابی و سرسختانه شان و در پی پختن مستقیم قسمتی از مصاحبه را در - تلویزیونی خسرو گل سرخی که رژیم را در مقابل عمل انقلابی و غیر منتظره ای قرار داد و جهت جنتیگان آنرا در پیشگاه خلق افشاء نمود ، به جوخه اعدا م سپرده شدند . خاطره شان گرامی باد .

فدائیان شهید گل سرخی و دانشیان جاودانه اند



در آن هنگام که خلق رزمنده هوستاد شورا های خلق ترکمن تر امید داشت حماسه سپاهنگ را به تدارک نشسته بودند تا پیوند خویش را با جنبش نوین کمونیستی ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق گرامی دارند ، مزدوران و آدم ربا یان و اسد آریان شب و روز آنه چهار رفیق قهرمان ، چهار فرزند دلاور خلق ترکمن ، رهبران ستاد شوراها را ربودند ، در کشتن و او پسند و حشیانه شکنجه کردند ، تا جایی که به گیارشان بستند و دیگر هایشان را در خار و های اطراف کشتند ، رهسپار ساختند و وقیحانه مدعی شدند که در ضمن انتقال آنها به کبک ، چریکسر امروز به پاسداران حمله کرده آنها را ربود و سپس بقتل رسانده است . سازمان در آن هنگام برده از روی این توپکمبر گرفت و شایب کرد که چگونه رژیم جنتیگان و عوامل سرسپرد هاشمی - چون محسن رفیق دوست (وزیر فعلی سپاه) خلخالی و تعدادی دیگر از جلادان رژیم به چنین جنایتی دست زد هاند . اما ، رژیم تصمیمش را گرفتند با قدرت خلق و با ضد خلق و ضد انقلاب سپاهستی بقدر صفحه ۲۱

را ده شدند به اعدا م انقلابی محکوم گردیدند .
۱- محمد علی محمدی ۲- اصغر بدخشان ۳- عبدی فتحی ۴- محمد رضا افشاری
محمد علی محمدی عضو سپاه پاسداران ارتجاع ، عضو حزب جمهوری اسلامی و از افراد فالانژ حزب اللهی شهر بابل بود و تاکنون در یک سلسله عملیات ضد انقلابی از قبیل اسد ا م انقلابیون ، تجاوز به انقلابیون در زندان رژیم ، سرکوب خلق کرد شرکت فعال داشته بقدر صفحه ۲۱

جنبش انقلابی خلق کورد

چهارمزد و جمهوری اسلامی پس از محاکمه اعدا م انقلابی گردیدند چهارتن از مزدوران رژیم که در جنایات مختلف شرکت مستقیم داشته پس از دستگیری نیز طی رفتم تلاش پیشرگان ، غیر قابل اصلاح تشخیص

برنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ، برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق